

درسهای طلابی انتخابات ماه مه 2023 ترکیه

علی رضا اردبیلی

(لینک نسخه بی دی اف این مقاله)

تحولات شگرف دو دهه ترکیه هم در مواردی که این کشور موفقیت‌هایی داشته است و هم در موارد ناکامی برای ما مفید است. گزارشدهی از ترکیه در سالهای اخیر وارد یک ژانر اجباری و انحصاری شده است که در چهارچوب آن باید همه تحولات ترکیه را "تکرار سناریوی جمهوری اسلامی در نسخه لایت ترکی آن" نامید و وعده پایان عنقریب اقتدار حزب عدالت و توسعه را داد. روایت کلیشه‌ای ماجرا، منکر پیشرفتهای اقتصادی ترکیه در دهه اول قرن حاضر نیست اما معتقد به نوعی استحاله و انحراف در مسیر حرکت ترکیه اردوغان در پنج تا ده سال گذشته است و حمایت بدنه جامعه ترکیه از حزب عدالت و توسعه در همه انتخابات و رفراندوم‌های این سالها را نتیجه یک توطئه، یک سوءتفاهم یا وجود یک نیروی اجتماعی بزرگ محافظه‌کار اسلامی می‌داند که متعصبانه از مراد خود در برابر نیروهای سکولار ترکیه دفاع می‌کنند.

در همه دوران بعد از مشروطه در ایران و بعد از تنظیمات در ترکیه (1839)، در کنار جریان اصلی ترقی‌خواهی غرب‌گرایانه، بودند کسانی که غرب را مدل خوبی نمی‌دانستند و به درجات متفاوتی خواهان بازگشت به خویشتن و یافتن مدل بومی برای توسعه بودند. در زمینه نارضایتی بدنه جامعه از نتیجه ناکافی دهه‌ها توسعه بر اساس مدل غربی، ایران 1356 و ترکیه 2002 هر دو در صدد برگرداندن نگاه‌ها از غرب به خود بودند. هر دو این کشور در تواریخ مذکور، خسته و مستأصل در پایان یک راهپیمایی برای وصال به معشوق غربی، غرق در بحران و تورم و بیکاری بودند.

اینک در میانه سال 2023 هر دو کشور بازی بازگشت به خویشتن خویش را انجام داده‌اند و در کنار نگاهی که اهالی این دو کشور به راه طی شده خود در سالیان گذشته می‌کنند و طبعاً نیم نگاهی هم به همسایه خود در آن سوی مرز دارند. مخالفان اردوغان، بخصوص در آغاز راه در اوایل قرن حاضر میلادی، در باره عقوبت سخت تبدیل شدن به ایران شماره 2 هشدار می‌دادند. در ایران هنوز هم، همه اردوگاههای سیاسی، قرائتی دلخواهانه و بیگانه با واقعیت ترکیه از تحولات این همسایه غربی ارائه می‌کنند. این قرائتها بجای اینکه منعکس کننده واقعیت جامعه ترکیه باشند بیشتر نتیجه تلاش برای اثبات تئوریهای خودی با توسل به "فاکت"های نیمه حقیقی یا سطحی از ترکیه است.

تحدید موضوع

ارزیابی منصفانه از کارنامه اردوغان و حزب عدالت و توسعه نیازمند شرایطی است که پایان عمر سیاسی این دو پدیده سخت جان در فضای متلاطم سیاست در ترکیه از اهم آنهاست. تنها بعد از پایان اقتدار طولانی این دو و انتقال حکومت به نیروهای آلترناتیو است که میتوان دوران اردوغانی (یقین 26 ساله) را با دوران قبل و بعد از آن مقایسه کرد.

برای تسهیل موضوع من فرض را بر این قرار می‌دهم که به هزار و یک دلیل دوران اقتدار اردوغان و حزبش سالها پیش باید پایان می‌یافت و حداقل برای یک دوره انتخاباتی، حزب عدالت و توسعه و رهبران آن، مجبور به ایفای نقش اوبوزیسیون در میدان سیاست ترکیه می‌شدند.

در نتیجه موضوع این مقاله بررسی علل عدم شکست اردوغان در انتخابات ریاست جمهوری و عدم شکست بلوک تحت رهبری حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی انجام شده در ماه مه 2023 است.

برای این بررسی، سه مسئله زیر در مرکز توجه این مقاله است:

1. افزایش جمعیت شهری ترکیه توأم با سالهای توسعه اقتصادی،
2. سهم اندک پایه رأی دهنده حزب جمهوریخواه خلق از افزایش نفوس شهرها. (از 44 میلیون به 79 میلیون طی 21 سال)
3. طرح فرضیاتی در باره علل احتمالی ناکامی حزب جمهوریخواه خلق.

صورت مسئله

چرا اوپوزیسیون بار دیگر در مقابل اردوغان شکست خورد؟ چرا رجب طیب اردوغان توانسته است که در 17 انتخابات متوالی طرف مقابل را شکست دهد؟ چرا اینبار که بزرگترین ائتلاف ضد اردوغان با حمایت بین المللی گسترده و آشکار به مصاف اردوغان رفت، نتیجه با انتخابات ریاست جمهوری سالهای 2014 و 2018 یکی شد؟

چنانکه از گرافیک شماره 1 دیده می‌شود. حدود 48 درصد از رأی دهندگان ترکیه، مخالف رجب طیب اردوغان هستند و در پنج مراجعه متوالی به صندوقهای رأی طی 9 سال اخیر، حداکثر نوسان میزان این مخالفین زیر یک درصد بوده است. جالب است که این 9 سال، همان دوران درجا زدن اقتصاد ترکیه از پی رشد سریع آن در یک دهه اول اقتدار اردوغان بر حکومت ترکیه است. جالب است که پاندمی کرونا و زلزله مهیب فوریه 2023 هم برای شکست دادن اردوغان از سوی اوپوزیسیون کمکی نکرد.

انتخابات ریاست جمهوری مای 2023				
28 Mayıs 2023	رجب طیب اردوغان	27,834,589	52,18	جدول شماره 1
	کمال، قانچا، اراوغلو	25,504,724	47,82	
	جمع آرای مخالفین		→ 47,82	48,00 -0,18
انتخابات محلی 2019				
31 Mart 2019	اتحاد جمهور	51,67		
	مخالفین	48,33		
	جمع آرای مخالفین		→ 48,33	48,00 0,33
انتخابات ریاست جمهوری روتن 2018				
24 Haziran 2018	رجب طیب اردوغان	26,330,823	52,59	
	محمود اینجه	15,340,321	30,64	30,64
	صلاح الدین دمیرتاش	4,205,794	8,40	8,40
	برال آکینر	3,649,030	7,29	7,29
	بمل کارموللا اوغلو	443,704	0,89	0,89
	اوغور بوز، چک،	98,955	0,20	0,20
	جمع آرای مخالفین		→ 47,4	48,00 -0,6
رفراندوم تعبیر سیستم از پارلمانی به ریاستی				
16 Nisan 2017	موافقین تعبیر	51,41		
	مخالفین تعبیر	48,59		
	جمع آرای مخالفین		→ 48,59	48,00 0,59
انتخابات ریاست جمهوری اگوست 2014				
10 Ağustos 2014	رجب طیب اردوغان	21,000,140	51,79	
	اکمل الدین احسان اوغلو	15,587,720	38,44	38,44
	صلاح الدین دمیرتاش	3,958,048	9,76	9,76
	جمع آرای مخالفین		→ 48,2	48,00 0,2

گرافیک: علی رضا اردبیلی

محافظة کاری عمومی جامعه به تنهایی نمی‌تواند این سلسله طولانی از موفقیت اردوغان را توضیح دهد. چرا که، بالاترین آرای پدر معنوی محافظة کاری دینی در تاریخ ترکیه یعنی شخص نجم الدین اربکان زیر 22 درصد بود. (21 ممیز 4 درصد در انتخابات 24 ماه دسامبر 1995)

شاید تصور کنید که پایین کشیده شدن یک حزب سیاسی حاکم باید از طریق کاهش تدریجی آرای حزب صورت گیرد و ریزش یکباره آرای یک حزب حاکم با رهبری کاریزماتیک، امر چندان قابل انتظاری نمی‌تواند باشد. صرفنظر از نمونه‌های جهانی این گونه ریزش‌های ناگهانی آرای حزب حاکم با رهبری کاریزماتیک، نمونه این بی وفایی رأی دهندگان ترکیه به احزاب و رهبران محبوب دیروز خود هم در دست است. بعنوان مثال "حزب دموکراتیک چپ" که تحت رهبری یکی از کاریزماتیک‌ترین رهبران تاریخ سیاست ترکیه یعنی **بولنت اجویت** بدون هیچ روند تدریجی، بسرعت آرای خودش را از دست داد. این حزب که در انتخابات 18 آپریل 1999 با 22 درصد از مجموع آرای ریخته شده به صندوقها، بزرگترین حزب سیاسی ترکیه شد، در انتخابات بعدی به تاریخ سوم نوامبر 2002 در حالی که شخص بولنت اجویت در مقام نخست وزیری بود زیر دو درصد آرای رأی دهندگان ترکیه را کسب کرد. (یک و بیست و دو صدم درصد)

نقش روستاها در تعیین نتیجه انتخابات

دیگر ستیزی در شهرهایی که نه مهاجر خارج از کشور در آنجا زندگی می‌کند و نه متعلقین به هویت اتنیک دیگری، متوجه روستائیان است. حتی در کشورهای پیشرفته که امروز این پدیده وجود ندارد، در گذشته وجود داشته است.

ترکیه امروز هم چهار میلیون مهاجر خارجی دارد و هم میلیونها اقلیت‌های اتنیک و مذهبی. اینک حداقل در ظاهر، دیگرستیزی در ترکیه، در مضمون خود، متوجه مهاجرستیزی است. کمال قلیچداراوغلو در اولین مصاحبه با رسانه‌ها بعد از شکست 28 ماه مه، روستائیان را با تحقیر، مسبب شکست خود نامید. وی گفت:

"چرا انسان روستایی از بحران اقتصادی متأثر نشد؟ بسیار ساده است وقتی ماهی 500 لیر [21 دلار] به آنها بدهی، جایی برای خرج کردن ندارند. در روستا میخواهد پول را کجا خرج کند؟" معنی این جملات چیزی نیست جز اتهام نداشتن شعور کافی به مردمان فقیر.

اهالی شهرنشین ترکیه در فاصله سال 2000 تا 2021 از 44 میلیون به 79 میلیون نفر افزایش یافته است. با توجه به سهم 6.8 درصدی روستاها (در سال 2012) حتی اگر صد در صد این درصد نه چندان بزرگ به اقتدار سیاسی حاکم رأی داده باشد، معنی این ادعا این است که کمال قلیچداراوغلو متوجه ناکافی بودن میزان آرای اهالی باقی مانده در روستاها برای تغییر جدی در مجموع آرای کشور نیست.

در ادامه مقاله به این نکته خواهم پرداخت که چرا چنین افزایش سریع جمعیت شهری در میزان آرای حزبی که با هر تعریفی باید جماعت شهری را نمایندگی کند، چنین کم تأثیر بوده است؟

سه مدل توسعه طبقه متوسط شهری

همانطور شرکتهای بزرگ تجاری طبق مدلهای متفاوتی توسعه پیدا می‌کنند، توسعه طبقه متوسط شهری می‌تواند از جمله به سه روش زیر عملی شود:

1. افزایش عددی طبقه متوسطه ترقی شخصی شهروندان. در این حالت، ساختار حاکمیت طبقاتی و سیاسی جامعه حفظ شده و تنها افراد به طبقات فوقانی این ساختار اضافه می‌شوند. (مثل ایران قبل از انقلاب و ترکیه قبل از اقتدار آک پارتی)

2. مداخله طبقات بیرون از دایره اقتدار طبقاتی و سیاسی از طریق هجوم آنان به قلعه قدرت و به هم ریختن نظم حاکم یا همان برپایی انقلاب. (مثل انقلاب اسلامی ایران در سال 1357)

3. مداخله متشکل با حفظ هویت و تشکیلات سیاسی و رهبر خودی. (مثل ترکیه 2002)

شکل اول را میتوان شبیه خرید سهام در یک شرکت دانست. شکل دوم (انقلاب) شبیه به ورشکستگی کشانیدن یک شرکت از طریق مداخله ویرانگر است. اما شکل سوم مانند خرید استراتژیک سهام و به دست آوردن اکثریت سهام دارای رأی و فتح سیستم از درون بدون بر هم ریختن ساختار امور است.

گسل مرئی و نامرئی درون ترکیه مدرن

گذار ترکیه از امپراطوری و خلافت در حال اضمحلال به جمهوری لائیک موضوع ناشناخته‌ای برای مخاطبان این مقاله نیست. این تحول شگرف نتیجه رفتن امپراطوری تا آستانه از دست رفتن پایتخت و مناطق بزرگی از ترکیه امروز پیش رفت (پیمان سور، 10 آوگوست 2023) مداخله خودسرانه و در عین حال قهرمانانه مصطفی کمال پاشا (آتاتورک بعدی) و پایان این مداخله با یک پیروزی افسانه‌وار، چنان اعتباری برای مصطفی کمال و پارانش فراهم کرد که برای عملی کردن هر تغییر مهمی در جامعه کافی بود. این اعتبار بی‌پایان برای تبدیل قوانین و ظواهر یک جامعه سنتی مسلمان به یک جمهوری لائیک با الفبای لاتین کافی بود و در این جهت بکار گرفته شد. اما حتی اعتبار بی‌پایان آتاتورک هم برای تغییر شیوه زندگی مردم فقیر و بیسواد روستایی و سنتی کشور، کافی نبود.

در پشت نمای بیرونی این تحولات و فارغ از هر قانون تصویب شده در پارلمان، نظم طبقاتی کهن طبق یک قاعده عمومی و شیوه سنتی زندگی اکثریت 80 و حتی 90 درصدی مردم، دست نخورده باقی ماند. همانطور که انقلاب مشروطه، نتوانست قوانین و ملاکان ایران را از منزلت طبقاتی سنتی‌شان به زیر بکشد و همانطور که لغو برده‌داری در ایالت متحده آمریکا، بردگان سابق را به فقیرترین اقشار جمهوری آمریکا تبدیل کرد و برده‌داران سابق را در مقام رئیس جمهور، سناتورها، صاحبان سرمایه مالی، طبقه زمین‌دار و صاپیان صنایع مدرن را بعنوان طبقه ممتاز جدید احیا کرد، جمهوری جدید ترکیه

امروز بعد از اسکان 93 درصد اهالی ترکیه در شهرهای بزرگ و متوسط، با این معما مواجهیم که چرا خیل 28 میلیون نفری تازه واردان به شهرها در دو دهه اول قرن حاضر، تنها 5 درصد به آرای حزب جمهوریخواه خلق افزود و یک بلوک قدرت 52 درصدی از سوی یک حزب محافظه کار حداقل تا 2028 رهبری قوه مقننه و مجریه را در اختیار خواهد داشت. چرا قلعه‌های قدرت ابتدا در شهرهای بزرگ از سوی حزب عدالت و توسعه فتح شد بعد از سال 2019 هم پیروزی شهرداران حزب جمهوریخواه در همین شهرها عملی شد؟



ببرهای آناتولی

آمار نشان دهنده 28 میلیون تازه وارد به شهرها، مسلماً شامل حاشیه‌نشینان شهر 16 میلیونی استانبول و برخی شهرهای بزرگ دیگر نیز هست. آنچه به فهم تحولات ترکیه کمک بیشتری می‌کند، نوع دیگر این اسکان یعنی افزایش جمعیت همراه با رشد اقتصادی است. پدیده موسوم به "ببرهای

آناتولی" از آن جهت مهم هستند که خبر از سهم شهرهای کوچک بعنوان قطب‌های جدید اقتصادی ترکیه در پروسه چهار برابر شدن اقتصاد کشور می‌دهد. خبر این پدیده با پخش فیلم مستندی از کانال آمریکایی PBS Public Broadcasting Service در سال 2006 در مورد صنایع جدید شهر دنیزلی، سر زبانها افتاد. البته، اطاق صنایع استانبول یکسال قبل اعلام کرده بود که 146 شرکت از 1000 شرکت بزرگ ترکیه در شهرهایی قرار دارند که بلحاظ سنتی جای مهمی در نقشه تولید و صنایع ترکیه نداشته‌اند. لیست این شهرها عبارت بود از: دنیزلی، غازی‌آنتپ، قیصریه، بالیکسیر، قونیه، قهرمان ماراش، اوردو، صامسون، چوروم، طرابزون، اونییه، کوتاهیه، نیغده، آدی‌یامان، افیون، قره‌حصار، چانکیری، گیره‌سون، اسپارتا، قارامان و ملاطیه. این بیست و یک شهر باهم، این نام جدید را کسب کرده بودند.

در دو دهه اخیر که صادرات ترکیه 7 برابر شده است (از 35 میلیارد دلار به 254 میلیارد دلار)، سهم KOBİ ها (شرکت‌های کوچک و متوسط) از این صادرات 40 درصد است. سهم گرفتن شرکت‌های کوچک از صادرات به معنی سهم گرفتن شهرهای کوچک عمدتاً سنتی از شهرهای بزرگ صنعتی مثل استانبول و ایزمیر است. همانطور که ظهور ببرهای آناتولی در نقشه تولید ترکیه هم به معنی گسترش عادلانه‌تر تولید، رونق اقتصادی و رفاه اقتصادی بود.

نکته مهم اینجا بود که جماعت سنتی و متدین در اقصی نقاط کشور، به قطار مدرنیزاسیون کشور و افزایش تولید پیوسته بودند. این مؤمنین صاحب صنایع جدید، ادعا می‌کردند که پیامبر اسلام و همسرش خدیجه و برخی از یاران محمد تاجر و ثروتمند بودند و ایرادی در ثروت و رفاه برای یک مؤمن نیست. غربیان در توصیف خود از این طبقه جدید با عبارت "کالونیستهای مسلمان" یاد می‌کردند. در گرافیک شماره 12 هم شهرهای موسوم به "ببرهای آناتولی" و هم تعداد مجتمع‌های صنعتی OSB در هر ایالت مشخص شده است. آنچه مسلم است، گسترش تولید و صنعت و خدمات به شهرهای سنتی و پراکندگی نسبی تولید در کل کشور موجب جلب نیروی کار آزاد شده از روستاها و موجب جلب درصدهای جدیدی از میان زنانی بود که دیگر محکوم به کار مادام‌العمر در خانه نبودند.

تکرار "چهار برابر"

گسترش چند برابری اقتصاد در دوران اقتدار حزب عدالت و توسعه در میزان مالیات دریافتی دولت نیز مشخص است. این مبلغ از 39,4 میلیارد دلار در سال 2002 به 192,4 میلیارد دلار در سال 2013 (تقریباً 5 برابر) افزایش یافته و آخرین رقم آن یعنی مالیات دریافتی دولت در سال 2022 به رقم 162,3 میلیارد (4 برابر سال 2002) افزایش یافته است. از آنجا که دولت مسئول سیستم تحصیلات و بهداشت و

درمان هم هست، افزایش چهار برابری درآمد دولت از قبل اخذ مالیات، علی‌الاصول به معنی هسترش چهار برابری خدمات دولتی در همه زمینه‌هاست. در این سالها، ظرفیت دانشگاه‌ها، خوابگاه‌های دانشجویی، فرودگاه‌ها، ظرفیت بنادر، اتوبانها، قطارهای سریع‌السیر، بیمارستانها، بهداشت و درمان، و همه حوزه‌های مسئولیت دولتی حدوداً چهار برابر گسترش یافته است. اکثریت مطلق این خدمات و ساخت و سازها در مراکز شهرها بوده و پاسخگوی جمعیت جدید منتقل شده به شهرها بود و مانع گسترش پدیده حاشیه نشینی در مقیاس‌های خطرناک دهه 1980 و 1990 شده است.

رقابت حاشیه و متن

نسبت قشر برخوردار از رفاه و محرومان پیوسته در حال تغییر بوده است و اگر این مناسبات تنش‌آلود یک پایه و مبنای ثابت (اکسیوم) بوده است، بازیگران آن در هر لحظه معین از تاریخ صد سال اخیر ترکیه با نسبت عددی دائماً کاهش یافته به ضرر صاحبان امتیاز، متفاوت بوده است. گاه در ترکیه از اصطلاح "ترکان سفید" یا "بیاض تورکلر" به عنوان لقب افشار صاحب امتیاز استفاده می‌شود و حتی بیست درصد بودن آنان در جامعه ترکیه ادعا شده است. صرفنظر از نامگذاری، درصد ادعایی به دلیل تغییر دائمی در جامعه، قابل اعتنا نیست. این نامگذاری و هر نامگذاری دیگر از یک وضعیت ثابت عزیمت می‌کنند در صورتی که اشاره شده که همیشه با یک متغیر سر و کار داریم.

انکار درصد بزرگ محرومان در ترکیه، در گذشته چندان محل اعتراض این اکثریت نبوده است از جمله به این دلیل که اهالی ساکن روستاها و شهرهای کوچک آناتولی مرکزی، خبری از ماهیت سیاست در شهرهای بزرگ ساحلی و نحوه اداره کشور در مرکز نداشتند.

شرکت درصد بسیار بالایی از اهالی در انتخابات در ترکیه واقعیت مهمی است و نازلترین میزان شرکت اهالی با 64 درصد مربوط به انتخابات سال 1969 است. این رقم بالا از دو جهت فریبنده است. اول اینکه ترکیه جزو پانزده کشور دنیا است که شرکت در انتخابات طبق قانون اجباری است. در وهله دوم جماعت روستایی و ساکنین مناطق سنتی، رفتن هر چند وقت یکبار به پای صندوق‌های رأی را بخشی از دین خود در قبال پایتخت می‌دانستند اما نتیجه این مداخله در انتخابات حتی آن وقتی که منجر به انتخاب رهبر با صد در صد رأی نمی‌شد، چنان نبود که از سوی افشار صاحب امتیاز تحمل نشود. یعنی اگر تأثیر کلی شرکت اکثریت محروم دور از استانبول، ایزمیر و آنکارا، بیش از صفر هم بود، از سوی صاحبان قدرت و ثروت در مرکز، مزاحم تلقی نمی‌شد.

طبقه متوسط مخالف حزب جمهوریخواه خلق

چرا نوریسیدگان به اردوگاه طبقه متوسط شهری موجب تقویت حزب جمهوریخواه خلق نشدند؟ با قبول حزب جمهوریخواه خلق به مثابه حزب طبقات شهری سکولار و متوسط، تعجب می‌کنیم که چرا هنگام تقویت سریع اقتصاد ترکیه در فاصله 2002-2013، این حزب همچنان از نظر درصد آرای کسب شده خودش درجا می‌زند.

جالب است که اولین آثار مهم ضعیف حزب عدالت و توسعه در انتخابات محلی شهرهای بزرگ و بخصوص باخت این حزب در رقابت تنگاتنگ برای اداره استانبول، آنکارا و آنتالیا دیده شد. هر چند نتیجه انتخابات موضوع این مقاله در ماه مه 2023، امید ایجاد شده در انتخابات محلی 2019 را برآورده نکرد، امان همچنان برتری آرای رأی دهندگان مخالف اردوغان در آنکارا و استانبول (هر دو با 51 درصد آرا) و در آنتالیا (با 57 درصد) در دست اپوزیسیون باقی ماندند.

اگر حزب جمهوریخواه خلق، حزب زنان شاغل، حزب اهالی سکولار شهرهای بزرگ، حزب نخبگان دولتی و در یک کلام حزب طبقه متوسط شهری است، چرا همزمان با گسترش همه این پایه‌های اجتماعی برشمرده، افزایش آرای این حزب بعد از یک رشد 5 درصدی به 25 درصد، دیگر متوقف شد و همه بلوک‌هایی که در برابر اردوغان و حزب عدالت و توسعه ایجاد کرده بود، (به استثنای انتخابات محلی شهرهای بزرگ) با کسب 48 درصد در قبال 52 درصد، مغلوب حریف شد؟

به دو گرافیک شماره 10 و 11 توجه کنید. طبق گرافیک اول، اقتصاد ترکیه طی یک دهه چهار برابر شده است و باز در همان گرافیک می بینیم که همچو جهشی در تاریخ اقتصاد ترکیه سابقه نداشته است. گرافیک شماره 11 نشان از این دارد که حزب جمهوریخواه خلق یک بار در کمی مانده به پایان جهش بزرگ اقتصاد ترکیه یعنی در سال 2011



توانسته آرای خود را از بالای بیست درصد به بالای بیست و پنج درصد افزایش دهد و در ادامه دوازده ساله سپری شده از آن تاریخ توانسته است که این آرای خود را حفظ کند.

میتوان حدس زد که سرعت بی سابقه رشد اقتصاد ترکیه در فاصله 2002-2013 موجب روندهای زیر شده است:

1. برابر آنچه از گرافیک شماره 4

مستفاد می شود، افزایش جمعیت شهری در 21 ساله بعد

از سال 2000 معادل 28 میلیون نفر در مقایسه با افزایش 23 میلیونی در دوره بیست ساله قابل از همان مقطع است. بی شک چهار همزمانی این افزایش جمعیت شهری با چهار برابر شدن اقتصاد کشور، کیفیت بهتری به نحوه این نقل و انتقال تاریخی از روستاها به شهرها داده است و سهم درصدی مهاجرت کنندگان به حاشیه شهرهای بزرگ از این 28 میلیون نسبت به سهم درصدی حاشیه نشینی از آن 23 میلیون مهاجر قابل از سال 2000 بمراتب کمتر بوده است.

2. سرعت بالای این نقل و انتقال، می تواند اسباب کشی ذهنی به اردوگاه جدید را دشوار کرده باشد.

3. طرف مقابل طی هشت دهه انحصارا هم طبقه متوسط شهری بود و همزمان، نیروی فعال مایشاء در خرد و کلان امر اداره کشور هم بود. این طرف، تجربه چنین نقل و انتقال پر تعداد در زمانی کوتاه را نداشت و تازه واردان را آدمهای بی ریشه و بنیه ای حساب می کرد که از طریق پیوند با حاکمان جدید (غاصبان مسند حاکمیت) به آلاع اولوفی رسیده اند. انتظار آنها این بود که هم حزب جدید غربتی ها و هم رأی دهندگان نوکیسه آنان، پرائتزر موقتی هستند که بزودی بسته خواهند شد و به تاریخ خواهند پیوست.

	حزب عدالت و توسعه	حزب جمهوریخواه خلق
2002	34,28% 363 mv	19,41% 178 mv
2007	46,66% 341 mv	20,85% 112 mv
2011	49,83% 327 mv	25,98% 135 mv
2015 Haziran	40,87% 258 mv	24,95% 132 mv
2015 Kasım	49,49% 317 mv	25,31% 134 mv
2018	42,49% 295 mv	22,65% 146 mv
2023	35,61% 265 mv	25,53% 169 mv

4. پیش تر به سه نوع متفاوت از عضوگیری طبقه متوسط اشاره شد. در پیوستن انفرادی و بطئی، اعضای جدید طبقه در یک پروسه طولانی و با کمترین اصطکاک وارد اطاق گرم این طبقه متوسط می شوند. تازه واردان مثل اعضای قدیمی این باشگاه فکر می کنند، مثل آنان لباس می پوشند و شیوه زندگی آنان را در مقیاس فردی و اجتماعی تقلید می کنند و مراقبت زیادی می کنند تا مبادا جدید بودن پیوستگی آن در جمع جدید در جایی از گفتار و رفتار آنها نمود پیدا کند.

راهپیمایی طولانی شاگردان نجم الدین اربکان برای تشکل و رهبری ورود متشکل غربتی ها به

درون سیاست و قدرت از همان ابتدا مورد سوء ظن افشار صاحب امتیاز سنتی بود. بخصوص که ظاهر زنان و مردان این تازه‌واردان هم طوری نبود که براحتی قاطی اهالی محلات مرفه شهرهای بزرگ بشوند.

5. وقتی که طبقه متوسط شهری طی روندی کُند نخبگان و عناصر موفق حاشیه را جذب می‌کند، طبعاً تازه‌واردان، سیستم مستقر را ولی نعمت خود می‌شناسند و سپاسگزار آن هستند. همانطور که پناه‌آوردگان به اطاق انتظاری بنام حاشیه شهر، همان سیستم مستقر را مسئول ناکامی خود می‌دانند. نکته مهم برای فهم این معادلات در ترکیه این است که تازه به دوران رسیدگان دهه اول قرن بیست و یکم ترکیه، نه سیستم مستقر پیشین بلکه حزب عدالت و توسعه را ولی نعمت خود می‌شناسند.

6. رفتار متفاوت رأی‌دهندگان در 11 شهر بزرگ ترکیه که بر خلاف جهت عمومی در جهت دلخواه اوپوزیسیون رأی می‌دهند، میتواند به این معنی باشد که مهاجرین به این شهرها بجز بهبود در وضعیت عینی از نظر استانداردهای جدید زندگی، از نظر ذهنی نیز به میان طبقه شهری متوسط اسباب کثی کرده و بخاطر این بهبود سطح زندگی الزاما شکر گذار ابدی حزب عدالت و توسعه نیستند. هم افزایش 5 درصدی آرای حزب جمهوریخواه و هم پیروزی این حزب در شهرهای بزرگ، نشان از یک تغییر قابل انتظار در رفتار انتخاباتی و انتخاب سیاسی شهروندان است. هرچند همانطور که در جای جای این مقاله آمده است، این تغییر در سیاست به نسبت تغییر بزرگی که در شیوه زندگی جامعه پدید آمده است، کم است. در مقایسه با این جمعیت تازه وارد شهری، اهالی شهرهای سنتی و کوچک ترکیه مثل شهرهای موسوم به بیرهای آناتولی، که اولین جهش مهم برای بهبود استاندارد زندگی خود را در دو دهه اخیر تجربه کرده‌اند و تغییر استاندارد زندگی آنها به صورت نقل مکان به شهرهای بزرگ برخوردار از استیل زندگی طبقه متوسط شهری نیست، رفتاری متفاوت دارد.

7. با اوصاف مذکور می‌توان تصور کرد که سهم طبقه متوسط شهری از میان انتقال بزرگ اهالی روستاها و مناطق شهری کوچک به شهرهای بزرگ، در مقیاس کمی به پایه اجتماعی حزب جمهوریخواه پیوسته و بخصوص طبقه متوسط شهری ساکن شهرهای کوچکتر و سنتی‌تر، حزب عدالت و توسعه را بانی و باعث پیشرفت خود و ضامن حفظ این موفقیت‌ها در آینده می‌شناسد. با توجه به اینکه ورود حزب عدالت و توسعه بعد از چند بحران اقتصادی در دهه 1990 و بحران بزرگ سال 2001 ترکیه انجام شد، وحشت برگشتن به آن سالها، در شکل دادن به اراده رأی‌دهندگان ترکیه و از جمله طبقه متمول جدید، نمی‌تواند بی‌تأثیر باشد. دور از عقل نیست اگر تصور کنیم که، بخشی از رأی‌دهندگان ترکیه وقتی وعده‌های انتخاباتی (گاه آشکارا غیر جدی و غیر واقعی) اوپوزیسیون ترکیه را می‌شنوند، بجای اینکه بتوانند رویای یک فردای روشن را باور کنند، دچار وحشت از بازگشت دهه 1990 می‌شوند.

سه مرحله از سیر آزمون و خطای اردوغان

برای نمایش ساده راه پیمایی طولانی اردوغان از یک سیاستمدار محلی مخالف سیستم شبیه انقلابیون ویرانگر 1357 ایران، به سیاستمدار پراگماتیست ملی و بین‌المللی استاد در اداره سیستم، سه تابلو انتخاب شده زیر از میان هزاران تابلو موجود، شاید مناسب باشد:

1. رجب طیب اردوغان جوان، 26 سال قبل، در 6 دسامبر 1997 در میدان جمهوریت زادگاه همسر خودش در شهر "سییرت" گفت:

"در ترکیه آزادی بیان وجود ندارد و تبعیض نژادی اعمال می‌شود. مرجع ما اسلامیت است. هرگز نخواهند توانست که ما را در هم بشکنند. حتی انسان غربی هم از آزادی عقیده برخوردار است. چرا در ترکیه به این [آزادی عقیده] احترام گذاشته نمی‌شود؟ مناره‌ها سرنیزه‌های ما، گنبدها کلاهخودهای ما و مساجد پادگان‌های ما هستند. کسی نخواهد توانست که قرائت اذان را ساکت

کند. به تبع نژادی در ترکیه با قطعیت پایان خواهیم داد." (لینک منبع:

<https://www.milliyet.com.tr/siyaset/erdogana-10-ay-hapis-5358830>)

این همان سخنانی است که بعدا حکم مجازات ده ماه زندان را برای اردوغان موجب شد.



2. اردوغان در حادثه دیگری در ماه مه 2013 بدون آنکه صراحت دهد در لفافه، از آتاتورک و عصمت اینونو با لفظ "دو عیاش" یاد کرد.

3. در حادثه سوم در سخنرانی بمناسبت مهمترین موفقیت تاریخ سیاسی خودش در 28 ماه مه 2023 در کاخ ریاست جمهوری در بش‌تپه، نمای کاخ پشت سر خودش را به عکس آتاتورک و کلاه "کالپاک" تزئین کرده بود.

توجه به این سه حادثه انتخاب شده از سه دهه زندگی سیاسی رجب طیب اردوغان، توانایی شناخت سیستم، توانایی شناسایی خطوط قرمز سیستم و استعداد انطباق خود با هر آن

چیزی است که توان تغییرش را ندارد. مهار نظامیان، ندادن فرصت به رقبا، بسیج یک اکثریت در یک بلوک شکست ناپذیر قدرت و انجام همه این کارها در چهارچوب قوانین بازی چون خط سرخی همه مراحل کارنامه سیاسی اردوغان را به هم وصل می‌کند.

پراگماتیست بودن اردوغان و سازشکاری وی همانطور که اشاره شد، برای حفظ تعادل کشتی سیاست و اقتصاد ترکیه، نقش مهمی بازی کرده است. (علیرغم نقش مخرب وی که پیشتر بدان اشاره شد). کلا اگر دیدن اشتباه، یک حُسن برای سیاستمدار است، اعتراف بموقع (قبل از عزل) بدان فضیلتی است و اقدام به اصلاح اشتباه (تا وقت باقی است) فضیلتی دیگر. موارد متعدد این انعطاف و درایت را میتوان در پایان دادن به تنش با روسیه بعد از ساقط کردن هواپیمای جنگی روسیه، در بازگرداندن سیاست خارجی به مسیر قبلی در ارتباط با کشورهای منطقه و کابینه بوروکرات و کاردان بعد از پیروزی در انتخابات ماه مه 2023 دید.

این خصوصیات برای یک سیاستمدار غربی میتواند بسیار بدیهی باشد اما در کشوری که رهبر اوپوزیسیون آن بعد از هر شکستی خود را "پیروز" انتخابات و اردوغان را مغلوب انتخابات می‌خواند و بجای فرار از استعفا، هر توجیه دوراز عقل و هر حیل‌های متوسل می‌شود، نعمتی است.

در طی کارزار انتخاباتی ماه مه 2023 با بازیهای عجیب و غریب حزب جمهوریخواه خلق، شخص رجب طیب اردوغان و اردوگاه وی به درجات بالاتری، تبدیل به قلعه طرفداران آتاتورک شد. همانطور که جونثیت اوزدمیر در یکی از برنامه‌های روزانه خود، ظهور عکس آتاتورک در پشت سر قلیچداراوغلو بلافاصله بعد از دور اول انتخابات را با طعنه تفسیر کرد. منظور جونثیت اوزدمیر فرصت طلبی قلیچداراوغلو برای کسب آرای ملی‌گرایان در دور دوم بود. اینکه حزب تأسیس شده از سوی شخص آتاتورک، اینچنین حسب نرخ روز با عکس آتاتورک رفتاری ابرازی داشته باشد هم برای جونثیت اوزدمیر غیرجدی بود و هم از سوی رأی دهندگان به جد گرفته نشد. جونثیت اوزدمیر گفت: "توجه کنید که چگونه وقتی آرای ملی‌گرایی بالا رفت، آتاتورک وارد کادر عکس [قلیچداراوغلو] شد!" آنچه مهم است فاصله گرفتن قبلی مصلحت اندیشانه حزب جمهوریخواه از عکس آتاتورک است. حتی نوشیروان ائلچی سخنگوی کمال قلیچداراوغلو در مصاحبه کانال تلویزیونی نزدیک به HDP پرچم ملی ترکیه را از صحنه حذف کرده بود.

یاد گرفتن قواعد بازی

هر تازه‌واردی، باید قواعد بازی‌ای را که وارد آن شده است یاد بگیرد. برای نجم الدین اربکان و شاگردان



نوشیروان انلچی سخنگوی کمال قلیچداراوغلو در مصاحبه کانال تلویزیونی نزدیک به HDP پرچم ملی ترکیه را از صحنه حذف کرده است. قبل از دور اول انتخابات، دفتر مرکزی CHP

وی، این پروسه یادگیری از طریق خطا و آزمون و کارآموزی بیش از نیم قرن زمان برده است. این زمان طولانی شامل تشکیل احزاب سیاسی، پیروزی و شکست و بسته شدن این احزاب، کارآموزی از طریق شرکت در اداره شهرداریها، یادگیری رتوریک سیاسی در میدان داخلی ترکیه و در رابطه با جهان غرب و اروپای شرقی بوده است.

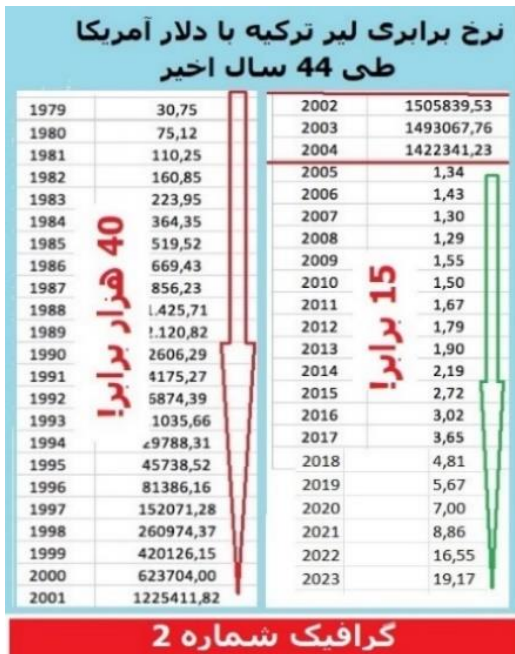
راهی که نجم الدین اربکان گشود و در ادامه یک سلسله طولانی از آزمون و خطا به تشکیل حزب عدالت و توسعه منجر شد. هدف این حزب، تصرف سیستمی جا افتاده، بدون توسل به انقلاب و با یادگیری نحوه کارکرد سیستم بود. در مطالعه تاریخ این راه طی شده از زمان صدور مانیفست "میللی گوروش" در 1969 تا به امروز، میتوان تک تک موارد آزمون و خطا و اصلاح را شناسایی کرد. هم مخالفت اربکان و شاگردانش با امپریالیسم، غرب، اسرائیل، آتاتورک و لائیسیته در تک تک موارد مصداق آن در تاریخ ترکیه مستند شده است و هم مراحل طولانی اصلاح این مواضع افراطی تا رسیدن به درجه استادی در اداره سیستم و تبدیل شدن به ظامن ثبات کشور و قلعه دفاع از آتاتورک و ارزشهای جمهوریت. گذار از امت گرایی اسلامی به همدلی با پادگارهای

امپراطوری عثمانی و گذار بعدی به دنیای مشترک ترکی و تبدیل کردن ترکیه از دولتی متزلزل در داخل به قدرتی مؤثر در مقیاس منطقه و جهان، یک پروسه دشوار و مملو از خطا و تجربه بود. جالب است که ناتوانی حزب آتاتورک از شکست دادن اردوغان، این حزب را به رفتاری حساب نشده با مهمترین سرمایه این حزب یعنی یاد بنیانگذار خود و ارزشهای جمهوریت کرده است که به دو نمونه آن در فوق اشاره شد.

طرفین جامعه قطبی امروز ترکیه و ماهیت اختلاف

امروز سالهاست که از دوران مظلومیت محافظه‌کاران تحقیر شده قبلی در ترکیه سپری شده است. این طبقه تازه به دوران رسیده، دیری است که خم و چم سیاست و دیپلماسی را یاد گرفته و به رهبری استاد مسلم بازی سیاست چون تیمی شکست ناپذیر با یک کابینه کاملاً جدید در قدرت هستند. تحقیر شدگان دیروز امروز خود را در پشت سکان رهبری کشور، مطمئن و برخوردار از اعتماد بنفیس بالایی احساس می‌کنند. استقرار طولانی در اداره دستگاه قدرت دولتی، فساد مالی و اداری را وارد این دستگاه کرده است. لیستی از خطاهای مسلم حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان به شرح زیر است:

1. بازی با امنیت اقتصادی کشور، شرکت‌ها و شهروندان از طریق حذف استقلال بانک ملی و توسل به تئوری‌های من‌درآوردی اقتصادی که منجر به کسری شدید موازنه تجارت خارجی، کسری کلان بودجه و فروش بی‌سابقه ذخیره طلا و ذخیره ارزی کشور شد.
3. نابودی استقلال قوه قضائیه،
4. نقض استقلال دانشگاه‌ها و مراکز علمی،



- نوسانات مضر در سیاست خارجی از قبیل درگیری با کشورهای غربی و اسرائیل
- ناتوانی در تداوم رشد اقتصادی بخصوص، سقوط اقتصادی کشور در فاصله 2013 - 2020.
- پایان دادن به تعامل با غرب و مذاکرت عضویت در اتحادیه اروپا.

موضوع این مقاله آن است که با این همه خطا، چرا حزب تأسیس شده از سوی شخص مصطفی کمال آتاتورک، ناتوان از ارائه یک پروژه نجات کشور و معرفی یک تیم لایق و مستعد عملی کردن این پروژه است؟

از عجایب موضع اوبوزیسیون ترکیه

مهمترین ویژگی اوبوزیسیون ترکیه گمگشتگی در زمان و مکان است. گویی نه از ترکیه دهه 1980 و 1990 خبر دارد و نه از کشوری بنام ترکیه. گویی سقوط چهل هزار برابری ارزش پول ملی ترکیه مربوط سه دهه قبل ترکیه نیست و گویی اسلام با پیروزی حزب عدالت و توسعه تبدیل به دین غالب در میان اهالی کشور شده است و انگار محافظه کاری وسیع و ریشه دار جامعه ترکیه محصول تدابیر و توطئه اردوغان بوده است. واقعیت آن است حزب عدالت و توسعه و رهبران آن محصول جامعه ترکیه هستند و نه برعکس. مانیفست "میللی گوروش" مقدم بر ورود اردوغان به عالم سیاست و تأسیس حزب عدالت و توسعه است و این تقدم و تأخیر، ما را برای یافتن رابطه علت و معلول در بلبشوی سیاست ترکیه راهنمایی می کند. مانیفست مزبور در سال 1969 صادر شده است یعنی زمانی که رجب طیب اردوغان نوجوانی پانزده ساله بود. (برای دیدن سیر ارزش لیر ترکیه در طول زمان به گرافیک شماره 2 نگاه کنید)

این نکته از نظر فهم رفتار سیاسی رأی دهندگان ترکیه حائز اهمیت کلیدی است. وقتی بیننده خارجی از بیرون، انتقادات جدی و بجای اوبوزیسیون از اوضاع کشور را می خواند و می شنود اما اکثریتی از رأی

حداقل حقوق معادل چند لیتر بنزین؟

Yıl	ASGARİ ÜCRET (₺)	BENZİN (₺)	ALIM (lit)
2000	80.550.900	590.000	146,53
2001	102.369.600	1.240.000	82,56
2002	163.563.537	1.620.000	100,97
2003	225.999.000	1.800.000	125,56
2004	303.079.500	2.290.000	132,35
2005	350,15	2,57	136,25
2006	380,46	2,75	138,35
2007	419,15	3,06	136,98
2008	503,26	2,78	181,03
2009	546,48	3,38	161,68
2010	599,12	3,87	154,81
2011	658,95	4,29	153,60
2012	739,79	4,57	161,88
2013	803,68	5,00	160,74
2014	891,04	4,60	193,70
2015	1.000,55	4,45	224,84
2016	1.300	4,27	304,45
2017	1.404,06	5,17	271,58
2018	1.603	5,59	286,75
2019	2.020,90	5,87	344,28
2020	2.324,71	7,03	330,68
2021	2.825,9	7,24	390,32
2022	4.253,4	12,93	328,96

دهندگان ترکیه همچنان در نگهداشتن اردوغان و حزبش بر سر اقتدار، سماجت بخرج می دهند، این ناظر بیرونی حق دارد که شوکه بشود. آنچه رأی دهنده ترکیه ای از آب باخبر است و ناظر بیرونی از آن بیخبر است، سیر منطقی حوادث و نازل نشدن حزب عدالت و توسعه به مانند صاعقه ای از آسمان آفتابی است.

اوبوزیسیون اصرار دارد که رأی دهندگان بایستی بی خیال زمان و مکان شوند. زمانی که رأی دهندگان باید فراموش کنند، دوران قبل از حزب عدالت و توسعه است و مکانی که هم ارزش اهمیت دادن ندارد، همان جغرافیای منطقه و مکانی بنام کشور ترکیه است. یکی از نمایندگان حزب جمهوریخواه خلق بنام پروفسور محمت بکاراوغلو در سال 2106 در گزارش خود به موارد جدی از علل ناکامی حزب خودش در جلب آرای مردم اشاره کرد که مانند همه موارد مشابه، نشنیده و ندیده ماند.

[https://www.yurtgazetesi.com.tr/politika/chpyi-karistiran-rapor-ortada-\(kaldi-h5461.html](https://www.yurtgazetesi.com.tr/politika/chpyi-karistiran-rapor-ortada-(kaldi-h5461.html)

هرکسی در تجربه خود با آدمهایی مواجه بوده است که بعلت کهولت سن و بیماری، متوجه نیستند که کجا هستند و نمی دانند که در لحظه مورد نظر، تاریخ و ساعت و روز هفته چیست. نام فارسی این

علامت بیماری "گمگشتگی در زمان و مکان" هم گفته شده است که در زبان علمی کنفوزیون confusion نامیده می‌شود.

اصرار اوبوزیسیون برای گمگشته کردن رأی دهندگان در زمان و مکان قابل فهم است. در اصل اگر زمان و مکان را از معادله حذف کنیم، اوبوزیسیون باید براحتی حمایت نزدیک به صد در صد جامعه را کسب کند.

اما مثلاً اگر عنایتی به زمان و مکان داشته باشیم و بیاد بیاوریم که در دوران تصدی 7 ماه وزارت کشور



ترکیه از سوی خانم آکشنر جنابتهای سیاسی موسوم به "فاعل مجهول" (مشابه قتلهای زنجیره‌ای ایران اما طبق یک آمار با 1964 قربانی و تداوم دهساله) کمتر نشده است و حتی افزایش یافته است. (گرافیک شماره 3)

این قیاس را میتوان به همه عرصه‌ها تسری داد. مثلاً اگر افت ارزش پول ملی را مد نظر قرار دهیم، دو و نیم برابر شدن نرخ دلار در سه سال اخیر، اصولاً باید هر

پادشاه قدر قدرتی را از تخت قدرت به زیر می‌کشید. اما اگر دچار گمگشتگی در زمان و مکان نشویم و بدانیم که ارزش پول ملی کشور در 50 سال اخیر در ترکیه چه مسیری را طی کرده است، می‌توانیم رأی نیمی از رأی دهندگان ترکیه به رجب طیب اردوغان را بهتر بفهمیم. (گرافیک شماره 2 نشان می‌دهد که برای نمره دهی به افت 15 باری ارزش لیر در قبال دلار، می‌توان ارزش 40 هزار برابری لیر در دوران ماقبل اردوغان را برای قیاس انتخاب کرد)

یکی از توجیهات حزب جمهوریخواه برای شکست‌های پیاپی، اشاره به تسلط حزب عدالت و توسعه بر رسانه‌های ملی است. این احتجاج نشان از این دارد که گویا رسانه‌های ترکیه قبل اردوغان از نظر رعایت عدالت بین ائتدار حاکم و اوبوزیسیون مثل سوئد عمل می‌کرده است. اوبوزیسیون گویی نه زمان قبل از 2002 خبر دارد و نه از مکانی بنام ترکیه.

اگر اوبوزیسیون ترکیه توان دچار گمگشتگی در زمان و مکان نبود، میتوانست ببیند که رهبر حزب اصلی اوبوزیسیون خودش به میل خودش "نمایندگان" حزبی انتخاب کرده است که قدرت عزل و نصب وی را دارند. مثل شورای نگهبان منتخب رهبر جمهوری اسلامی که قدرت عزل و نصب وی دارد. همین اوبوزیسیون وقت و بی وقت خواهان استعفای اردوغان می‌شود. در اصل فهم این نکته که ورود به انتخاب برای یک رئیس جمهور در قدرت، یعنی استعفا و به انتخاب گذاشتن پست خود در انتخابات. اگر اردوغان در پست خود ایفا می‌شود، به اعتبار اراده رأی دهندگان است. اما شخص کمال قلیچداراوغلو که رکورد پرشکست‌ترین رهبر سیاسی دنیا را بنام خود ثبت کرده است، هنوز هم بر سر قدرت است.

تغییر کیفی در معادله

پیروزی دوم نوامبر 2002 حزب عدالت و توسعه را باید نقطه عطف تغییر موازنه به نفع فراموش‌شدگان هفت دهه اول تاریخ جمهوریت نامید. از این تاریخ تا به امروز، بلوک نیرومند شکست ناپذیری در مقابل سروری ساکنان شهرهای ساحلی و حزب جمهوریخواه خلق ایجاد شد، گسترش یافت و سیر تکامل پیمود. اینکه نتایج ملموس اقتدار این بلوک اقتدار حکومتی در سالهای منتهی به 2020 کاهش یافت، دلیل ضعف در استحکام این بلوک نیست و انتخابات ماه مه 2023 هم این ادعا را به اثبات رساند. آنچه اینبار بنحو محسوس تازگی داشت، پیروزی علیرغم تبعات سنگین بحران پاندمی کرونا و زلزله فوریه امسال در بخش بزرگی از ترکیه بود.

اگر در دهه‌های 1970 تا 1990 حاکمان سنتی عنان امور را علیرغم ناتوانی در دست داشتند، امروز بلوک تازه به دوران رسیده آک پارتی از پی ناکامی‌های چند ساله قادر به تجدید قوا و ارائه یک کابینه

جدید متشکل از بوروکراتهای خوش‌نام و خوش‌سابقه است و این حزب جمهوریخواه خلق است که خسته از کوفتن بر قلعه محکم قدرت حکومتی ناتوان از نوسازی رهبری خود و ارائه یک آلترناتیو اثباتی است.

از نظر مادی بخش مهمی از حکایت ناعدالتی اقتصادی تعدیل شده است و انحصار قدرت سیاسی در دست اقلیت صاحب امتیاز تنها در خاطره نسل پا به سن باقی مانده است و بخش بزرگ جدیدی از اهالی از مناطق سنتی روستایی به شهرها منتقل شده‌اند. اصولاً در این مرحله بایستی بلوک قدرت رو به سستی می‌رفت و موضوع این مقاله نیز طرح این سوال است که چرا چنین نشد؟ دو جواب منطقی در پاسخ این میتوان ارائه کرد:

1. نیاز طبقه جدید حاکم به **روایت مظلومیت**. کشور ترکیه به گروههای اتنیک، مذهبی و سیاسی و ایدئولوژیک تقسیم شده است و برای کسب و حفظ اقتدار سیاسی بلوکی شامل نصف به اضافه رأی دهندگان لازم است. نتیجه همه انتخابات در این کشور با دو سه درصد آرای رأی دهندگان تعیین می‌شود. فلذا تعریف در بر گیرنده یک بلوک اکثریت (ولو 51 یا 52 درصدی) نقش تعیین کننده در قدرت بسیج این بلوک و پایداری آن در قبال حملات بلوک رقیب را دارد. هنوز هم در ترکیه، حکایت مظلومیت "فراموش‌شدگان و محرومان" برای بسیج همچو بلوکی تنها نسخه موفق است. شاید در واقع رأی دهندگان جمع شده در بلوک اتحاد جمهور (به رهبری حزب عدالت و توسعه) چندان هم فراموش شده یا محروم نباشند. مهم ارائه خود این روایت است که در کنار ارائه موفق تصویر تیمی نیرومند از مدیران و مجریان پروژه‌های توسعه و پروژه‌های نظامی بزرگ قادر به بسیج کمی بالای 50 درصد رأی دهندگان است. در همه این سالها، تلاش حزب جمهوریخواه برای بسیج بلوکی حول ارزشهای سکولار، عدالت و دموکراسی برای بسیج بلوکی بزرگتر از بلوک قبلی کافی نبوده است.

2. استیصال پایه اجتماعی حزب جمهوریخواه خلق در باز پس گرفتن قدرت از بلوک حاکم قدرت در 21 سال اخیر، کارزار اهانت به پایه اجتماعی بلوک قدرت را به ستیز مستقیم و حملات آشکار در رسانه‌های اجتماعی کشانیده است. اگر کمال قلیچداراوغلو مثل همه سیاسیون دیگر در تریبونهای رسمی مدعی نمایندگی 85 میلیون شهروند کشور می‌شود اما نزدیک به 28 میلیون رأی دهنده طرفدار اردوغان، از سوی طرفداران قلیچداراوغلو به نفرت‌آورترین وجه ممکن زیر رگبار دائمی دشنام و توهین هستند. روستایی، فقیر، بی سواد، گوسفند و هر اتیکت وهن‌آور دیگر از تریبونهای غیررسمی در مقیاس وسیع به آدرس آن 28 میلیون ارسال می‌شود و قشر سکولار، مرفه و شهری این توده بزرگ را هم به اندازه فقرا و روستائیان و محجبه‌ها آزرده کرده و برای ادامه حضور آنان در بلوک نیرومند اقتدار اردوغانی انگیزه کافی به آن بلوک تزریق می‌کند. از میان هزاران هزار نمونه در دنیای مجازی کافی است به فیلم شماره 18 ضمیمه این مقاله نگاه کنید. در این ویدئو، 13 میلیون اهالی مناطق زلزله زده با نخوتی تهوع آور از سوی طرفداران حزب جمهوریخواه خلق، با القابی چون "گوسفند"، "جاهل"، "عاشق جلاد خود" (!) و توصیفات زشت غیرقابل ترجمه استفاده می‌کنند. در صحنه پایانی این ویدئو دو دختر نوجوان در جلوی یک میدان تنیس رسماً رأی دادن به حزب عدالت و توسعه را نه یک انتخاب سیاسی و حق دموکراتیک شهروندان بلکه یک "بیماری" می‌نامند.

از میان دو عبارت "خارجی لعنتی" و "آلمانی لعنتی" عبارت دومی، حاوی یکصدم باروت نفرت موجود در عبارت اول نیست. در نتیجه توهین متقابل به پایه اجتماعی حزب جمهوریخواه خلق هم، حاوی چنان بار توهینی قوی نیست که بتواند بلوک آنان را گسترش دهد و قوام و دوام بخشد.

پیش‌تر به مورد مکانیسم ورود دائمی روستائیان و محرومان به میان طبقه متوسط شهری اشاره شد. توهین‌های نژادپرستانه از نوع محتوای ویدئوی شماره 18 مانع پیوستن لایه‌های تازه به دوران رسیده به طبقه متوسط شهری در مفهوم سنتی آن می‌شود. یعنی ورود افراد جدید به جرگه برخورداران از نعمت و 4 برابر شده تعداد عددی آنها (بخاطر چهار برابر شده تولید سرانه ناخالص ملی) که در شرایط نورمال به دلایل عینی، می‌بایستی پایه اجتماعی حزب جمهوریخواه خلق را تقویت می‌کرد، بنا به دلالتی ذهنی برشمرده، به بتونیزه شدن بلوک قدرت آک پارتی و از سوی دیگر ثبات عجیب آرای حزب جمهوریخواه خلق در حد ناکافی برای پیروزی منجر شده است.

ورود "نامشروع" اکثریت به صحنه سیاست ترکیه

اشاره شده که اکثریت جامعه تنها حق شرکت در انتخابات و مثلاً "انتخاب" یک رهبر سیاسی با 100 درصد آرا را داشت و تنها کارکرد این نمایش، مشروعیت بخشی به اقتدار بلامنازع نخبگان حاکم بود. داشتن راننده و کلفت و نوکر و کارگر از میان رعایا، برای "صاحبان" کشور ساکن در استانبول و ایزمیر و آنکارا کافی نبود. آنان چند سال یکبار نیاز به رأی دهنده هم داشتند.

مشکل از جایی شروع شده که طبق روند مشروح در سطور پیشین، سطح سواد و میزان شهر نشینی و اسکان در حاشیه شهرهای بزرگ بالا رفت و از میان رعایا هم کسانی شروع به کردن پا در کفش "بزرگان" کردند. این پروسه کشدار، زمان بر بود و در سطوح متفاوتی شکل گرفت و قوام یافت.

شیوه اعمال تبعیض و تحقیر علیه اکثریت

نحوه رفتار اقلیت پرمدعای برخوردار از نعمت و قدرت، با اکثریت محافظه کار کشور ترکیه چگونه بوده است؟ جواب کوتاه این سوال، «تبعیض و تحقیر» است. شاید مهمترین سبب این تحقیر در زمان گذشته نزدیک به زمان ما، ممنوعیت ورود دختران محجبه به دانشگاه‌ها بود. معنی آزادی ورود این دختران به مدارس متوسطه و ممنوعیت ادامه تحصیل آنها در دانشگاه‌ها چیزی نیست جز اینکه آنها لایق شغل‌های دارای استاتوس اجتماعی پایین مثل پرستاری، فروشنده‌گی و باغبانی هستند و نه بیشتر.

Aday	Seçim	Aldığı oy	
Mustafa Kemal Atatürk	1923	158 milletvekilinden 158 oy	%100.0
	1927	288 milletvekilinden 288 oy	%100.0
	1931	289 milletvekilinden 289 oy	%100.0
	1935	386 milletvekilinden 386 oy	%100.0
İsmet İnönü	1938	348 milletvekilinden 348 oy	%100.0
	1939	413 milletvekilinden 413 oy	%100.0
	1943	435 milletvekilinden 435 oy	%100.0
Celâl Bayar	1946	451 milletvekilinden 388 oy	%86.0
	1950	453 milletvekilinden 387 oy	%85.4
	1954	513 milletvekilinden 487 oy	%94.9
Cemal Gürsel	1957	607 milletvekilinden 413 oy	%71.5
	1961	513 milletvekilinden 486 oy	%94.7
Cevdet Sunay	1966	532 milletvekilinden 461 oy	%86.7

از سوی دیگر، القابی چون «مرتجع»، «عقب مانده ذهنی»، «کله بتون» و «کهنه کله» به راحتی نثار اکثریت جامعه می‌شد و هنوز هم می‌شود. گذاشتن بالاترین حد نصاب جهانی برای ورود به پارلمان (10 درصد) هم اگر از سویی برای جلوگیری از نیروهای رادیکال چپ و سیاسیون گرد بود از سوی دیگر برای جلوگیری از ورود نیروهای سیاسی منتسب به اکثریت محافظه کار کشور بود. «ترک کوهی» نامیدن اقلیت پرتعداد اهالی کرد، به غیر از بار سنگین اهانت اتنیکیتی، بار سنگین توهین طبقاتی هم داشت.

در فیلم‌ها، کانال‌های تلویزیونی و تولیدات فرهنگی این دوره، اکثریت جامعه ترکیه غایب بود. از گویندگان کانال‌های تلویزیونی تا مهمانداران شرکت‌های هواپیمایی جولانگاه دختران جوان موبور و بدون حجاب بود. تاریخ تحقیر اکثریت جامعه در ترکیه داستانی پر آب چشم است.

"چرا رأی من با رأی یک چوپان کوهی، برابر باشد؟!"

یکی از معروفترین مواردی که نابرابر اعلام کردن شهروندان و تقسیم آنان به درجات حاکم و محکوم، مربوط به دختر جوان هنرمندی بنام آیسون کایاجی است. در یک برنامه تلویزیونی، «مژده آر»، پینار کور و آیسون کایاجی شرکت داشتند. آنچه در فیلم باقی مانده از آن برنامه دیده می‌شود، نحوه رفتار و سخنان سرشار از نخوت و تحقیر اکثریت جامعه از سوی پینار کور و آیسون کایاجی، است. این دیالوگ تلویزیونی به جای اینکه، یک مورد استثنایی از اظهارنظر انفرادی از سوی یک دختر جوان باشد، انعکاس روحیه حاکم بر اقلیت صاحب امتیاز حاکم بود و در همان موقع موج وسیعی از بحث عمومی در کل ترکیه را موجب شد. ([لینک کلیپ ویدئویی برنامه تلویزیونی مورد اشاره](#))

جالب است که نوع شدیدتر این نوع تحقیر از سوی فتح‌الله گولن بر علیه رهبران کنونی حکومت ترکیه از حزب عدالت و توسعه انجام می‌شود. علیرغم اینکه خاستگاه طبقاتی و خانوادگی شخص فتح‌الله گولن از میان فقیرترین قشر روستایی ترکیه است و خودش حتی از تحصیلات حداقل مدرسه‌ای محروم است، از رهبران حزب عدالت و توسعه برخاسته از خانواده‌های شهری و دارای تحصیلات آکادمیک، به‌عنوان ساکنان دیروزی حلبی‌آبادها که امروز صاحب قصر شده‌اند، یاد می‌کند!

آیسون کایاجی با زیر سوال بردن ارزش برابر آرای شهروندان ترکیه، حرف دل بسیاری از متمولین متکبر این کشور را بر زبان آورد و با این صداقت خود، هنوز هم در یادها مانده است. جمله اصلی وی که در تیتیر خبر روزنامه حریت از سخنان وی هم جای گرفته است، به اندازه کافی حرف دل بسیاری در ترکیه است: "رأی من نمیتواند با رأی یک چوپان در صحرا برابر باشد" او حتی به صراحت می‌گوید که اصل دموکراسی برای وی مورد سوال است. چنین صراحتی را نمیتوان از هیچ سیاستمداری انتظار داشت. <https://web.archive.org/web/20151026074832/https://www.hurriyet.com.tr/dagdaki-cobanla-benim-oyum-esit-olamaz-8565854>

در فیلم شماره دو، سخنان صریح یک رأی دهنده قلیچداراوغلو در جریان انتخابات اخیر را می‌شنویم که عین سخنان آیسون کایاجی است. او هم در این فیلم، اصل دموکراسی را زیر سوال می‌برد. (فیلم‌های ضمیمه این مقاله در یوتیوب بارگذاری شده و لینک آنها در پایان مقاله ارائه خواهد شد)

آیسه نور آرسلان از پروپاگانداستهای اصلی حزب جمهوریخواه خلق، بعد از انتخابات، جمله قدیمی خود در تحقیر اکثریت مردم را تکرار کرد: "فقرا، چطورید؟" طبعاً وی با مردمان فقیری که به حزب جمهوریخواه خلق رأی داده‌اند دچار هیچ مشکلی نیست. فقرا حق و حتی وظیفه دارند که اسباب حکومت حزب جمهوریخواه خلق را فراهم کنند. اما اگر اینان به حزب دیگری بخصوص یک حزب غربتی مثل حزب عدالت و توسعه رأی بدهند، باید حالشان را گرفت. (فیلم شماره 4 https://youtube.com/shorts/2r7D_vv9yQc) توهین به رأی دهندگان حزب عدالت و توسعه در موارد زیادی شامل این جمله است که "ما هم در ترکیه زندگی مرفه‌تر از شما داریم، هم زبان خارجی و بلدیم و هم در همه جای دنیا برای ما جاهست. وای به حال شما بدبخت‌ها" (نگاه کنید به ویدئوی شماره 16)

در آخرین نمونه از نگاه تحقیرآمیز به مردم، کمال قلیچداراوغلو، در مصاحبه با تلویزیون "سوزجو" روستائیان خریداری شده با 500 لیر (20 دلار) در ماه از سوی حاکمیت را مسئول شکست

خود اعلام کرد.

کشف گاز، نفت، توسعه صنایع، ایجاد زیرساختها

بخشی از تحقیر اکثریت از سوی رهبران حزب جمهوریخواه خلق، زیر سوال بردن توانایی آنان در حل معضلات مهم ترکیه است که بزرگوارانی از نوع قلیچداراوغلو تا سال 2002 توان انجام آنها را نداشته‌اند. از این قبیل تولید اوتوموبیل برقی انکار شد و گفتند پلاتفورم تولید وجود ندارد و اوتوموبیلها از خارج به محل کارخانه ادعایی وارد می‌شوند! قلیچداراوغلو ابتدا خبر تولید اوتوموبیل برقی ترکیه را "فرب مردم" نامید و سپس از شرکت در مراسم پیاده شده اولین اوتوموبیل از باند تولید خودداری کرد. (فیلم شماره 7، ثانیه 40 <https://youtu.be/GloD663G0rw>)

کشف گاز از دریای سیاه از سوی همه مخالفین اردوغان انکار شده و دروغ نامیده شده است. جالب است که بعد از ورود گاز این منابع به شبکه توزیع گاز ترکیه هم این انکار ادامه دارد. قبول اینکه تحقق ولو بخشی از آرزوی قدیمی ترکیه به رهبری شهروندان درجه دو متشکل در حزب عدالت و توسعه ممکن شده باشد، برای رهبران حزب جمهوریخواه خلق یا دروغ است یا شوخی و اگر شوخی و دروغ نیست پس کابوس است. (در فیلم شماره 6 <https://youtu.be/z4L9h6uxM2Y>) ده نفر از مخالفین اردوغان به صراحت خبر کشف و استخراج گاز در دریای سیاه را دروغ می‌خوانند. واقعیت این است که ناوگان نیرومندی از کشتی‌های لرزه نگاری و حفاری در آبهای شمال و جنوب ترکیه سرگرم اکتشاف هستند و اخیر خبر کشف بزرگترین منبع نفت با ظرفیت تولیدی روزانه 100 هزار بشکه اعلام شد. (لینک خبر: <https://www.euro-petrole.com/tpao-has-made-a-gigantic-discovery-of-1-billion-bbls-oip-in-the-exploration-well-350;ehit-aybuke-yalc305;n-1-in-the-frontier-cudi-gabar-area-n-i-25505>)

دموکراسی؟

برای بخش مهمی از اپوزیسیون ترکیه، "دموکراسی" همچو آدامسی است میتواند تا ابد جویده شود. شاید هم شبیه "ذکر" دراویش و مؤمنین همیشه بر لب آنان است، بدون اینکه خودشان متوجه معنی آن باشند. ادبیات طرفداران جریان مارکسیستی لنینیستی حزب کارگران کردستان (و طرفداران

غیرمسلح آن) که خون 40 هزار نفر بر گردن آنان سنگینی می‌کند، یک در میان شامل کلمه "دموکراسی" است. شخص کمال قلیچدار اوغلو که جز ناتوانی در مدیریت و شکست در سیاست چیزی در پرونده خود ندارد، غلیبرغم همه اعتراضات و فشارها بر کرسی ریاست خودش بر حزب جمهوریبخواه خلق چسبیده و تاکنون نتایج هیچ انتخاباتی را قبول نکرده است. انتخاباتی که حزب وی در همه صندوقها نماینده دارد. همه نتایج در صورتجلسات صندوقها از سوی نمایندگان حزب وی امضا شده و جمع این آرا، عمل حساب ساده است. اخیرا جوئیت اؤزدمیر ژورنالیست مخالف اردوغان که از انتخابات آشکارا طرفدار قلیچداراوغلو بود، با صراحت بیان کرد که طبق مکانیسم "دموکراسی" درون حزبی حتی اگر آتاتورک هم در برابر قلیچداراوغلو برای کسب مقام دبیرکلی حزب وارد رقابت شود، رقابت به نفع قلیچداراوغلو تمام خواهد شد. (فیلم شماره 8 <https://youtube.com/shorts/8ht6HIL04nI>) علت آن است که "همه نمایندگان حزب" دستچین شده از سوی قلیچداراوغلو هستند و طبعاً هوسی برای سلب کرسی رهبری از دست ولی نعمت خود ندارند. مصاحبه 9 ماه ژوئن کمال قلیچداراوغلو با کانال تلویزیونی اویوزیسیون بنام "سؤزجو" آب پاکتی بر روی دست همه باور کنندگان به طرفیت دمکراتیک درون حزب جمهوریبخواه خلق ریخت. در این مصاحبه، کمال قلیچداراوغلو، سیمایی نه چندان متواضع و نه چندان دموکرات از خود نشان داد که کرسی ریاست خود را مهمتر از سرنوشت 85 میلیون اهالی کشور می‌داند.

شما را به دریا می‌ریزم!

در آستانه فراندوم اصلاح قانون اساسی در 16 آپریل 2017، دو نفر از نمایندگان پارلمان ترکیه از حزب جمهوریبخواه خلق (CHP) مخالفین خود را تهدید به ریختن به دریا نمودند. یکی از آن دو، دنیز بایکال نماینده این حزب از آنتالیا و دبیرکل سابق این حزب بود. او گفت که چنانچه طرفداران «آری» بیازند، خوشحالی ما به اندازه خوشحالی پدرانمان از ریخته شدن دشمنان خارجی در ازمیر به دریا خواهد بود! یک هفته بعد در 23 ماه آپریل [2017] با باختن طرفداران «آری» چنان جشنی خواهیم داشت که شادی ما مثل روزهای 9 سپتامبر 1922 به هنگام ریختن دشمنان از ازمیر به دریا خواهد بود! ([لینک](#) [کلیپ ویدئویی سخنرانی دنیز بایکال](#))

دیگر نماینده پارلمانی حزب جمهوریبخواه خلق که وعده ریختن طرفداران «آری» و حزب عدالت و توسعه از ازمیر به دریا را داد، فردی بنام حوسنو بوزکورت نماینده مردم کونیا بود. فرق این دو پیام عجیب و غریب در این نکته بود که دنیز بایکال وعده شادی بزرگ در صورت شکست آلترناتیو «آری» را می‌داد اما از عجایب منطق حاکم بر ذهن «حوسنو بوزکورت» وعده ریختن طرفداران آلترناتیو «آری» در صورت پیروزی آنها بود!

یعنی اگر طرفداران «آری» شکست می‌خورند، دنیز بایکال به جشن بزرگ خود می‌رسید و اگر پیروز می‌شدند، از سوی حوسنو بوزکورت به دریا ریخته می‌شد! ترجمه سخنان حوسنو بوزکورت:

«ما انقلابی هستیم... نتیجه فراندوم 60 الی 65 درصد به سود آلترناتیو «نه» خواهد بود. اما رفقا! اما رفقا! تصور کنید که «آری» برنده شده. هیچکسی دچار توهم نشود!... ما یازهم از سامسون شروع می‌کنیم، به آماسیا می‌رویم، به سامسون می‌رویم، به آنکارا می‌رویم، به اینونو، ساکاریا و دوملو پینار می‌رویم، اگر ما شما را تا ازمیر تعقیب نکردیم، شیر مادر حراممان باد. شما و هفت پشت خاندان شما را، امپریالیست‌ها را هم از ازمیر به دریا خواهیم ریخت. این کشور را به حرامزاده‌هایی مثل شما نخواهیم داد. روز ۱۶ آپریل، «نه» پیروز خواهد شد و شما مثل قذافی، مثل صدام حسین، مثل هیتلر، مثل موسولینی، محو شده و خواهید رفت. در عرض یک سال ما حکومت را تشکیل خواهیم داد.» [لینک کلیپ ویدئویی سخنان حوسنو بوزکورت](#) نماینده حزب کمالیست CHP از شهر کونیا

دو بیان فوق، در اصل بخشی از تحقیر اکثریت جامعه و هیچ حساب کردن آرا و نظرات آنان است. هر دوی این نظرات موجی از انزجار در جامعه ترکیه بر علیه دو نفر مزبور ایجاد کرد که در نهایت به پیروزی آلترناتیو «آری» کمک کرد.

دادن رفرنس به جنگ رهایی‌بخش ملی (19 ماه مه 1919- 24 ژوئن 1923) از سوی رهبران حزب جمهوریبخواه خلق هم خالی از اهمیت نیست. رهبران این حزب بهتر می‌دانند که در تاریخ ترکیه بجز

انتساب به آتاتورک و جنگ رهایی بخش ملی هنر دیگری در تاریخ این حزب ثبت نشده است. در انتخابات اخیر نیز، بازار تهدید اردوغان و رأی دهندگان حزب عدالت و توسعه به گرفتار آمدن به سرنوشت یونانی‌های اشغالگر در مقطع جنگ رهایی بخش ملی داغ بود.

افلام دیگر تحقیر اکثریت

نوع تحقیر اکثریت جامعه و توهین به هویت و شعور و کدهای مشخصه آنها در جامعه متنوع است. تاوقتی که مداخله اکثریت در امر اداره کشور شبیه رابطه هواداران بود و در نمایشات انتخاب با صد در صد آرا (!؟) شرکت می‌کردند یا هم خود را مصروف انتخاب باب میل کودتاگران نظامی از میان امرای لشگری و کشوری می‌نمودند، همه چی بر وفق مراد بود. اولین اقدام عملی از سوی از سوی دکتر نجم الدین اربکان برداشته شد. صدور مانیفست "میللی گۆروش" (نگاه ملی)، حکم اعلام جنگ به مقدساتی را داشت که کارکردشان مشروعیت بخشی به اقتدار بلامنازع اقلیتی متفرعن بر اکثریت جامعه بود. اربکان بعنوان یک محافظه‌کار و توسعه‌گرا، بنحو روشنی رفرنس‌های جدیدی برای طرح توسعه خودش ارائه کرد.

Aday	Seçim	Aldığı oy	
Mustafa Kemal Atatürk	1923	158 milletvekilinden 158 oy	%100.0
	1927	288 milletvekilinden 288 oy	%100.0
	1931	289 milletvekilinden 289 oy	%100.0
	1935	386 milletvekilinden 386 oy	%100.0
İsmet İnönü	1938	348 milletvekilinden 348 oy	%100.0
	1939	413 milletvekilinden 413 oy	%100.0
	1943	435 milletvekilinden 435 oy	%100.0
	1946	451 milletvekilinden 388 oy	%86.0
Celâl Bayar	1950	453 milletvekilinden 387 oy	%85.4
	1954	513 milletvekilinden 487 oy	%94.9
	1957	607 milletvekilinden 413 oy	%71.5
Cemal Gürsel	1961	513 milletvekilinden 486 oy	%94.7
Cevdet Sunay	1966	532 milletvekilinden 461 oy	%86.7

بحثی در این ادعا نیست که، طبقه متوسط شهری ستون ثبات و ضامن کارکرد دموکراسی در یک دموکراسی است. اما در پروسه تکوین دموکراسی و رشد کمی و کیفی طبقه متوسط، مناسبات طبقه اندک شمار متوسط و قشر حاکم با اکثریت بزرگی که هنوز به اعضای تام و تمام این طبقه متوسط تبدیل نشده‌اند، چگونه باید باشد؟ آیا آنهایی که موقعیت ممتاز اقتصادی و برخورداری از نعمت تحصیل را در دوران قبل از جمهوریت با خود داشتند و آنهایی که زودتر از دیگران به بدنه نحیف این طبقه پیوسته‌اند، حق تحقیر اکثریت بیرون از این طبقه را دارند؟

عجیب نخواهد بود اگر یک پزشک یا یک وکیل دعاوی از بیمار و موکل خودشان باسوادتر باشند. اما اینان حق تحقیر بیمار و موکل خودشان را هم دارند؟ اشاره به این نکته از آنجا مهم است که این بحث جنبه مستکبر ستیزی و پوپولیسم و فقرپرستی بخود نگیرد.

تحقیر اقشار کم سواد، فقیر و روستایی برای خوانندگان ایرانی این سطور، نا آشنا نیست. اما به علت بی اهمیت بودن انتخابات در فضای سیاسی ایران، ورود این تحقیر به فضای سیاست در ایران نمود زیادی نداشته است. شعار "هرکس که بیسواده، با احمدی‌نژاده" در انتخابات سال 1388 در ایران، مثال روشنی برای تحقیر بخش مهمی از مردم در میدان سیاست در ایران است اما نمودهای این مسئله در ترکیه، گسترده‌تر، آشکارتر و مخرب‌تر بوده است.

یکی از نمودهای این تحقیر به رسمیت نشناختن رأی اکثریت رای دهنده به نیروهایی است با دهن کجی به صاحبان امتیاز در جامعه، تبلور اراده "غربتی"ها در سیاست ترکیه است. علیرغم اینکه اسلام و محافظه‌کاری دو رکن غیرقابل انکار از واقعیت جامعه ترکیه است اما ورود محافظه‌کاری دارای رنگ اسلامی، حتی از کانال برنده شدن در انتخابات مشروع با رعایت همه محدودیتهای سیستم رسمی حاکم، نامشروع حساب می‌شود.

در 28 فوریه 1997، در جریان به اصطلاح کودتای پست مدرن ترکیه، اعلامیه "شورای امنیت ملی" بر علیه "ارتجاع" نخست وزیر قانونی کشور (نجم الدین اربکان) به دنبال یک کشاکش چهارماهه و برآوردش از موازنه قوا، چاره کار خودش را در استعفا از پست قانونی خودش می‌یابد. (30 ژوئن 1997)

برپایی روز محشر در تاریخ جمهوریت، مکان پارلمان ترکیه، زمان دوم ماه مه 1999

اشاره شد که جمهوریت با اعتبار معنوی بی‌پایان مصطفی کمال آتاتورک تأسیس و با مدیریت تعداد بسیار قلیلی از بوروکراتها و دارندگان تحصیلات از میان طبقات فوقانی عصر پایانی عثمانی تأسیس شد. در این میدان، شروع سیستم تحصیلات عمومی به معنی ناگزیر تربیت استعدادهایی از میان اکثریت مطلق جامعه و انتقال آنان به میان مدیران و رهبران کشور بود. این پروسه همانقدر که "طبیعی" و ضروری بود، بدون درد و بحران نبود. پروسه تبدیل تدریجی بخشی از محرومان قرنها، قرار بود وارد کلوب برخورداران از ناز و نعمت شوند. یک "دیگرسازی" از اکثریت جامعه بطور سنتی در دوران عثمانی موجود بود. درست مثل لغو برده‌داری در ایالات متحده آمریکا که آثار آن هنوز هم همه جا قابل مشاهده است، اعلام برابری همه اتباع سابق عثمانی در هیئت شهروندان جمهوری، به معنی از میان رفتن تفاوتها مابین "ما" و "آنها" نبود. همانطور که لائیک شدن نظام اداره کشور در متن قوانین به معنی زندگی سکولار شهروندان نیست و هنوز هم زندگی زندگی سکولار، شیوه زندگی همه اهالی جمهوری ترکیه نیست.

در دوران عثمانی نیز یک آپارتاید رسمی حاکم نبود و هم رعایای مسلمان و هم غیرمسلمانان از حقوق قانونی کم و بیش مساوی برخوردار بودند. در نتیجه وجه مشخصه "آنها" جایی تعریف نشده بود. خصوصیات از قبیل ثروت، تحصیلات، روستائین، زندگی در شهرهای درون فلات آناتولی، زندگی در شهرهای ساحلی، زندگی در محلات غیرقانونی حاشیه شهرهای بزرگ، زندگی در محلات معروف اعیان نشین استانبول و دیگر شهرهای ساحلی و مهمتر از همه داشتن حجاب برای زنان، فاکتورهایی بود که تعلق اهالی به "ما" و "آنها" را نشان می‌داد.

پیش‌تر گفته شد که در پس صحنه سالانه هزاران نفر از جمله از طریق موفقیت در تحصیلات، کار و کسب و با رشد توریسم از طریق فروش زمینهای سابقا کم ارزش زراعی به صاحبان سرمایه در صنعت توریسم، به میان طبقات متمول شهری نقل مکان می‌کنند. از آنجایی که رعایای فقیر عثمانی مانند بردگان ایالات متحده آمریکا بعد از لغو برده‌داری نشانی از رعیت بودن بر خود نداشتند، حجاب بنوعی به آیکون فراموش شدگان و اکثریت در حاشیه مانده جمهوری ترکیه بود. دارندگان حجاب با یک سیاست آشکارا راسیستی از سیستم تحصیلات عالی حذف می‌شدند. در نتیجه کسی از این غربتی‌ها با ظهور در مراکز قدرت و ثروت مزاحم منظره عمومی نمای بیرونی آراسته با سیمای ترکان بور چهره نمی‌شد. انسان فقیر آناتولی بدون دسترسی به تحصیلات عالی (همان آسانسور طبقاتی) امکان صعود به جایی نداشت که خاری در چشم صاحبان برخوردار از نعم مادی و قدرت دولتی بشود.

برخلاف ترکیه با 99 درصد اهالی مسلمان، در دنیای کفار مسیحی در بلاد غرب، آپارتاید زن ستیزانه بر علیه زنان محجبه اعمال نمی‌شد. در نتیجه برخی از دختران فلک زده محجبه برای کسب تحصیلات آکادمیک راهی غرب شدند. خطری که این مسئله ایجاد می‌کرد، قابل پیش بینی بود. هرچند حکام مستقر در شهرهای ساحلی، مثل همیشه این بمب ساعتی را دست کم گرفته بودند.

برآمد یکی زن، "مروه" به نام!

مروه کاواکچی یکی از دختران محرومی بود که در یک کشور مسلمان با اکثریت 99 درصدی مسلمان زاده شده بود. بعد از دو سال تحصیل در دانشکده پزشکی دانشگاه آنکارا بخاطر مقررات منع داشتن حجاب در دانشگاه‌ها، ترک تحصیل کرده به ایالات متحده آمریکا رفت. در دانشگاه تگزاس شروع به تحصیل در رشته مهندسی کامپیوتر کرد. مسیر مروه زندگی کاواکچی از چند ازدواج، کسب مدرک دکترای علوم از دانشگاه هاروارد، تدریس در همان



مروه کاواکچی: دکترا از دانشگاه هاروارد، استاد دانشگاه‌های هاروارد و جورج واشنگتن، منتخب مردم استانبول برای نمایندگی پارلمان ترکیه، اخراج از جلسه پارلمان ترکیه در دوم ماه مه 1999، جرم: دانشن روسری!

دانشگاه و دانشگاه جورج واشنگتن هم گذشت و اینک سفیر کبیر جمهوری ترکیه در مالزی است.

در دوم ماه مه 1999 برخلاف تمهیدات اعیان و اشراف حاکم بر آنکارا و استانبول و ایزمیر، او با داشتن



بک دشمن ملت، جان وطن
در محاصره نگهبانان دموکراسی و لائسینه و حقوق بشر
مأموران نهی از منکر و امر به معروف از نوعی متفاوت با همکاری ایرانی شان

لیستی از شایستگی‌های آکادمیک و مشروعیت سیاسی ناشی از کسب آرای رای دهندگان ترکیه برای ادای سوگند وارد سالن اصلی مجلس ملی ترکیه شد. در این زمان او در حالی که 32 سال داشت، از **حزب فضیلت** به عنوان نماینده مردم استانبول به نمایندگی پارلمان ترکیه انتخاب شده بود. در این روز، قرار بود او در مجلس ملی ترکیه، مراسم سوگند خوردن خود را بجا بیاورد. نمایندگان **"حزب چپ دموکرات" DSP** به رهبری بولنت اجویت در رأس حکومت اقلیت (56مین حکومت ترکیه یا حکومت چهارم اجویت) برای رفع این "فتنه" به پا خاستند و شعار **"دیشاری، دیشاری، دیشاری!"** (بیرون!) سر دادند. بولنت اجویت

سوسیال دموکرات در مقام رهبر حکومت اقلیت گفت: "حد و مرز این زن را بهش روشن کنید" مروه کاواکچی از طرف نمایندگان "حزب چپ دموکرات" DSP از ساختمان پارلمان اخراج شد. سپس بخاطر داشتن تابعیت آمریکایی، شهروندی وی در جمهوری ترکیه ملغی شد...

او یک بار در گذشته برای فرار از دست پلیسها و سگهای مستقر در وروی دانشگاههای ترکیه به دانشگاه تگزاس در ایالات متحده آمریکا رفته بود اینبار راهی دانشگاه هاروارد شد و ... وی در 28 ماه مه 2001 به "دادگاه حقوق بشر اروپا" از دست دولت ترکیه تظلم برد. پروسه قضایی، با حکم دادگاه در محکوم کردن رفتار دولت ترکیه به نفع وی پایان یافت.

این اقدام مروه کاواکچی، تنها یک نقطه عطف در مبارزات نادیده گرفته شدگان جامعه ترکیه برای ابراز وجود در سطح اداره کشور بود اما نه اولین مورد بود و نه آخرین نوع آن. مبارزه فرزندان رعایای سابق عثمانی برای تبدیل شدن به شهروند جمهوریت هنوز هم ادامه دارد و هنوز هم دیواری بلند در مقابل این اکثریت محروم در جامعه محسوس است. یک نشانه روشن و مهم این فشار، نادرست از آب درآمدن 95 درصد نظرسنجی‌های قبل از انتخابات ماه مه امسال بود. یک علت این اشتباه گسترده مؤسسات نظرسنجی، فشار جامعه بر روی اقشاری از مردم بخاطر نوع لباس، شیوه زندگی و اعتقادات آنهاست.

متوجه هستیم که خوانندگان این مقاله به هزار دلیل موجه، دل پُری از حجاب، محجبه‌ها و طرفداران حجاب دارند. اتفاقاً کلید فهم منظره پیچیده ترکیه در اینجاست که حجاب اجباری و ممنوعیت اجباری حجاب را از یک جنس و هردو را ناقض حقوق بشر و آزادیهای اساسی فرد بینیم. اگر کمی عمیق‌تر از سطح ماجرا را بینیم، کشف خواهیم کرد که، هم حجاب اجباری در ایران امروز و هم ممنوعیت اجباری حجاب در ترکیه قبل از 2002، هر دو مورد، تمهیداتی برای اعمال کنترل بر جامعه از طریق کنترل حریم شخصی افراد هستند.

(لینک خبر اخراج مروه کاواکچی از پارلمان ترکیه به دلیل محجبه بودن و اخراج وی به دستور بولنت اجویت در سایت اینترنتی بی بی سی بین المللی <http://news.bbc.co.uk/2/hi/europe/344787.stm>)

قدت شگرف قابله خالی برای سرنگونی حکومت‌ها

در انتخابات اخیر ترکیه نیز، نام برخی از بزرگان سیاست از دنیا رفته بخاطر نقل قول زیاد جملات قصار آنان ورد زبانها بود. از جمله این سخن سلیمان دمیرل که "اقتدار سیاسی که قابله خالی از عهده سرنگونی آن برنیاید، وجود ندارد".

تفاسیر مملو از کین و نخوت بی‌خبران از احتمال خالی بودن قابلمه، نسبت به رأی دهندگان اردوغان در فردای دور دوم انتخابات ریاست جمهوری در 28 ماه مه بازی با این سخن سلیمان دمیرل بود. جملات زننده زیادی در شبکه‌های اجتماعی متوجه اکثریتی شد که به رجب طیب اردوغان رأی داده بودند. جملاتی با این مفهوم که "پس قابلمه‌تان خالی نبوده!" یا "پس شکمتان سیر است!" "ما رو ببین که به چه کسانی دلسوزی می‌کردیم، ما که حالمان خوش است"

پیش از این یکی مخالفین اردوغان به هم جبهه‌ای‌های خودش هشدار داده بود که اگر اسیر گرمای مطبوع میکروکلیمای رسانه‌های مخالفین اردوغان هستید، دنیا را هم بکام خود می‌بینید. اما تضمینی نیست که این "دنیا"ی شما، همان دنیای واقعی باشد. علت شوک انتخابات اخیر ترکیه بر جبهه قلیچداراوغلو، بریدن آنان از زمان و مکان و ندیدن چیزی بود که شهروند رأی دهنده به اردوغان آنرا می‌بیند، آنان اصولاً بهتر از هر کسی می‌دانند که میزان خالی بودن قابلمه مردم امری نسبی است. سوال منطقی در این مورد آن است نسبت به کجا و نسبت به چه زمانی؟

راستی آیا پسرفت اقتصاد ترکیه در سالهای اخیر، را نسبت به کدام کشور و چه زمانی باید قیاس کرد؟ جواب علمی و قطعی برای این سوال وجود ندارد. اما یک رفرنس دم دست برای رأی دهندگان ترکیه اقتصاد کشور ترکیه در دو دهه اخیر است. البته اگر اوضاع امروز را با اوضاع دو سه سال قبل مقایسه کنیم، وضعیت اقتصاد و معیشت کشور دشوارتر شده است. اما انتخابات اخیر ترکیه، انتخاب میان چه و چه بود؟ به آلترناتیوهای زیر توجه کنید:

1. ادامه وضعیت امروز.
2. برگشت به روزهای بهتر چند سال قبل.
3. برگشت به دو دهه قبل.
4. ساختن فردایی بهتر از امروز.

از میان چهار آلترناتیو فوق، خواست اول و دوم، به معنی رأی دادن به حزب عدالت و توسعه و رجب طیب اردوغان است. معمار و مسئول اوضاع دو دهه قبل در نظر عموم اهالی ترکیه حزب جمهوریخواه خلق است. یعنی زمانی که طبق جدول شماره؟؟ حداقل دستمزد معادل یک چهارم امروز بود.

مخالفین اردوغان قصد داشتند به رأی دهندگان بقبولانند که انتخاب کمال به معنی آلترناتیو چهارم است. کارزار انتخاباتی آنها هم برای متبادر کردن تصویری مثبت چون "بهار" از پی دو دهه "زمستان" تحت زعامت حزب عدالت و توسعه بود.

با توجه به نتیجه انتخابات می‌توان نتیجه گرفت که اکثریتی از رأی دهندگان، وعده اجرای آلترناتیو چهارم از سوی اپوزیسیون را باور نکرده‌اند بلکه با توجه به سابقه قلیچداراوغلو و حزب وی از دهه 1980 و 1990، از وحشت برگشت به سال 2001 (سال قبل از اقتدار حزب عدالت و توسعه) و کاهش حداقل درآمد به یک چهارم مبلغ امروزی، به حزب حاکم رأی داده‌اند.

این نکته از آنروز حائز اهمیت است که در فردای شکست کمال، سیلی از اهانت به اکثریت جامعه در فضای مجازی جاری شد. منطق پشت سر این موج اهانت این بود که شما (52 درصد رأی دهنده به اردوغان) بر ضد منافع مادی خود رفتار کرده‌اید. ارقام و آمار نشان می‌دهد که رفتار انتخاباتی این 52 درصد مستقیماً مبنای عقلانی و مادی و دنیوی داشته است.

تنزیل مقام انسان فقیر

نوعی انسانیت زدایی از انسان و تنزیل نیازهای مشروع آن به احتیاجات مادی‌اش در حد غذا و مسکن و نامشروع یا مشکوک اعلام کردن نیاز انسان به چیزهای غیرمادی در ترکیه مرسوم بوده است.

در جایی دیگر از این مقاله به قدرت قابلمه خالی از زبان سلیمان دمیرل اشاره شد. فرق انسان با دیگر موجودات در قدرت فانتزی، زیبایی شناسی، ایدالیسم، آرزو و امید است. بر این اساس است که فردی فقیر، لباسی برای خود یا نزدیکان خود می‌خرد که از نظر عقلانی خارج از توان مالی خودش است. یک انسان میتواند خانواده خودش را به مسافرتی ببرد که برای تأمین مالی آن نیازمند وام بانکی است. در همه کشورهای غربی پدیده ماههای کم پولی بخشی از جامعه، از پی مسافرتها فرضی و قسطی

تابستانی یک پدیده شناخته شده است. به همین سیاق افتخار به یک فضانورد هموطن یا یک محصول ساخت وطن یا یک اختراع وطنی امری بیگانه با انسان معمولی نیست.

مضمون بخش مهمی از اهانت‌های سالهای اخیر به اکثریت جامعه ترکیه، با این خصوصیت عادی انسانی مربوط بوده است. اوتوموبیل تمام برقی توگ TOGG در آستانه انتخابات وارد بازار شد. ترکیه در سال گذشته بجز تأمین احتیاجات بازار بزرگ داخلی خودش، صادرات 31,5 میلیارد دلاری در این زمینه داشت و تولید یک اوتوموبیل مارک داخلی و ملی از آرزوهای ملی و قدیمی آحاد مردم ترکیه بوده است. پروژه تولید اوتوموبیل برقی گامی عقلانی و اقتصادی بود که با پی‌گیری اردوغان عملی شد. درست مثل حمایت از تیم فوتبال شهری یا کشوری، حمایت طرفداران اردوغان از این اوتوموبیل هم قابل فهم بود. اما همین مسئله موجب راه افتادن کارزار زشتی از توهین به اکثریت جامعه در کانالهای تلویزیونی و یوتیوبی طرفدار قلیچداراوغلو شد. خشم این کانالها بخصوص متوجه کسانی بود که نسخه‌های اولیه نمایشی این ماشین را بوسیده بودند! جملات تحقیرکننده از این قبیل که مگر توان خرید این ماشین را دارید، مدام شنیده می‌شد. "فاتح پرتغال" پروپاگاندايست و ژورنالیست شماره یک اردوگاه مخالفین اردوغان با نخوت گفت: من توان خرید این ماشین را براحتی دارم اما تو [فقر بدبخت] که هرگز نخواهی نتوانست صاحب این ماشین بشوی از عرضه آن ذوق زده شده‌ای؟! مضمون این توهین‌ها، این بود که شما که امکان خرید این اوتوموبیل را ندارید، چرا از عرضه به بازار اینهمه خوشحالید؟ ظرفیت تولید کارخانه فعلی سالانه 170 هزار دستگاه است. اما موضوع این نیست که آیا این اوتوموبیل به تعداد خانواده‌های طرفدار اردوغان تولید خواهد شد یا نه. سوال این است: آیا فردی امکان خرید این محصول را ندارد، نمی‌تواند از تولید آن خوشحال یا مغرور باشد؟ آیا کسانی از صعود فضانوردان کشور خود به فضا احساس غرور می‌کنند، بایستی ابتدائاً شرایط فضانورد شدن را داشته باشند؟ آیا انسان فقیر حتماً فاقد احساس زیبایی شناسی هم هست؟ آیا انسان فقیر غرور ملی ندارد؟ آیا انسان فقیر حتی اگر امروز نتواند یک ماشین برقی بخرد نمی‌تواند خودش یا فرزندش را در پشت فرمان همچو ماشینی تصور بکند؟ مگر وقتی کسی از دیدن اهرام باستانی مصر به وجد می‌آید، به امکان خرید این اهرام فکر می‌کند؟!

فاجعه زلزله

مخالفان حزب عدالت و توسعه، کاهن وار، زلزله را نشان قطعی پایان دوران اردوغانی اعلام کردند. اینک هزاران ادعا در حافظه دیجیتال بشر ثبت است که جملگی شکست حزب عدالت و توسعه را در انتخابات ماه مه صرفاً بخاطر فاجعه زلزله، با قطعیت پیش بینی کرده بودند. یک جستجو در گوگل برای جمله "Depremle geldi, depremler geliyor" 1790 جواب پیدا می‌کند. معنی جمله که این هم مثل نقل قول مربوط به قابلمه خالی، از زبان سلیمان دمیرل نقل قول می‌شد، چنین است: "با زلزله آمد، با زلزله هم می‌رود" جان دوندار ژورنالیست مخالف مقیم آلمان، در آن روزهای سخت بعد از زلزله چنان با قاطعیت این جمله را تکرار می‌کرد که گویی یک دقیقه قبل در ملاقات با هاتف غیب بوده است. بالاخره روز

بوسان آرای اردوغان و کمال قلیچداراوغلو در سه انتخابات در 11 ایالت زلزله رده						
کرافیک شماره 6	24 Haziran 2018	14 Mayıs 2023	نوسان	نوسان آرای قلیچداراوغلو نسبت به هر هفته قبل		نوسان آرای اردوغان نسبت به هر هفته قبل
				28 Mayıs 2023	نوسان آرای قلیچداراوغلو نسبت به هر هفته قبل	
1	Hatay	Kılıçdaroğlu	48,07	49,86	1,79	
		Erdogan	48,03	50,14		2,11
2	Kahramanmaraş	Erdogan	78,14	71,88	-6,26	75,77
		Kılıçdaroğlu		22,2	24,23	2,03
3	Malatya	Erdogan	69,19	69,39	0,2	71,96
		Kılıçdaroğlu		27,02	28,04	1,02
4	Gaziantep	Erdogan	63,93	59,76	-4,17	62,72
		Kılıçdaroğlu		34,65	37,28	2,63
5	Adana	Kılıçdaroğlu		50,89	6,76	50,04
		Erdogan	44,13	43,92		45,96
6	Adıyaman	Erdogan	67,41	66,33	-1,08	68,84
		Kılıçdaroğlu		31,09	31,06	-0,03
7	Osmaniye	Erdogan	62,98	62,33	-0,65	66,2
		Kılıçdaroğlu		30,7	33,8	3,1
8	Şanlıurfa	Erdogan	64,77	62,01	-2,76	64,86
		Kılıçdaroğlu		36,06	35,14	-0,92
9	Diyarbakır	Kılıçdaroğlu		71,96	71,66	-0,3
		Erdogan	27,39	26,48	-0,91	28,34
10	Elazığ	Erdogan	70,04	67,19	-2,85	70,27
		Kılıçdaroğlu		28,19	29,73	1,54
11	Kilis	Erdogan	70,09	65,62	-4,47	69,99
		Kılıçdaroğlu		26,87	30,01	3,14
مجموع نوسانات				13,15	32,11	8,44

گرافیک: علی رضا اردبیلی

محشری که طبق وعده جان دوندار و همه مخالفان اردوغان باید حکم داوری صادر می‌شد، در 14 ماه مه 2023 فرا رسید. صرفنظر از نتیجه هر دو دور انتخابات، طبق ارقام ارائه شده در گرافیک شماره 6، در همان دور اول و در 11 ایالت زلزله میزان آرای اردوغان، نسبت به آرای وی در انتخابات سال 2018، کمی کمتر از 9 درصد افزایش یافت. نمونه توهین به زلزله‌زدگان بخاطر "ناشکری" می‌توانید در ویدئوی شماره 11 <https://youtube.com/shorts/A5b0vzbytlI> ببینید.

کارزار توهین به زلزله‌زدگان

TEKİRDAĞ BÜYÜKŞEHİR BELEDİYESİ
OTEL GÖREVLİSİ İLETİŞİM NUMARASI


آگهی
مهمانان عزیز، از تاریخ 21 ماه مه 2023 (روز یکشنبه) خدمات مهمانداری از مسافران که از سوی شهرداری ایالتی [تکیرداغ] ارائه می‌شود به پایان خواهد رسید. این اطلاعات جهت اطلاع تقدیم شما می‌شود. [اطلاعیه نصب شده بر دیوار هتل محل اقامت زلزله زدگان از فردای انتخابات]

DUYURU

گرافیک شماره 8

Saygıdeğer Misafirlerimiz
Büyükşehir Belediyemiz tarafından Depremzede Vatandaşlarımıza verilen geçici konaklama hizmeti 21.05.2023 tarihinde, (Pazar günü) sonlandırılacak olup, bu tarihten sonra geçici konaklama hizmeti verilmeyecektir. Bilgilerinize sunulur.

Tekirdağ Büyükşehir Belediye Başkanı
Adem Dalgıç



توهین‌های در لفافه و حتی آشکار و گاه بسیار زشت به زلزله‌زدگان از نیمه شب منتهی به 15 ماه مه، بلافاصله بعد از روشن شدن نتایج انتخابات شروع شد. جهنمی که قرار بود اردوغان و حزب عدالت و توسعه را در درون خود بسوزاند، برپا نشد. نمایندگان اقلیت متفرعن طرفدار قلیچداراوغلو، در رسانه‌های رسمی و سوسیال مدیا، زلزله زدگان را ناسپاس خواندند. از نظر آنان نه دولت مرکزی ترکیه بلکه طرفداران قلیچداراوغلو به داد مناطق زلزله زده شتافته بودند. منظره گویای این کارزار توهین در شهر تکیرداغ اتفاق افتاد. در این شهر تعدادی از زلزله زدگان شهر کاهرامان ماراش در هتلی از سوی شهرداری ایالتی (از حزب جمهوریخواه خلق) اسکان داده شده بودند و قرارداد اسکان آنها تا سه ماه دیگر اعتبار داشت. علیرغم باقی ماندن از مدت اعتبار این قرارداد، تنها چند روز به افراد زلزله ده مسکون در هتل وقت داده شد تا این محل را ترک کنند! (گرافیک شماره 8)

نوع نگاه خفته در پس این عمل، همانا از جنس نگاه از بالا به پایین از سوی طبقات صاحب امتیاز سنتی ترکیه است که اکثریت جامعه را مشتئی سربار و نیازمند کمک از متمولین ساکن در شهرهای ساحلی می‌دانند و در قابل ارائه این کمک طالب اطاعت بی چون و چرای این رعایا از اراده اربابان خود هستند! امروز دهه‌هاست که رسانه‌های بین المللی دنیای غرب، تصویر کلاسیک دختران جوان موبور اروپایی توزیع کننده غذا در بین گرسنگان جهان سوم را منتشر نمی‌کنند. اما در ذهن برخی جماعت از خود راضی ترکیه، مناطق زلزله زده ترکیه بایستی بخاطر ارسال کمکهای انسانی، 100 درصد به کمال قلیچداراوغلو رأی می‌دادند.

پیاز و کشتی جنگی تی‌سی‌جی آنادولو!

از کسانی که خود را صاحب انحصاری قدرت و نعمت در ترکیه می‌دانند و حزب جمهوریخواه خلق، اکثریت جامعه باید در فکر نان شب و اجاره مسکن خود باشند. مسائلی مثل ارتش، دفاع، تکنولوژی نظامی، توسعه اقتصادی، معماری سیاست منطقه‌ای و جهانی اموری در حد و اندازه فقیر فقرا نیست. این جماعت دماغ سربالا که طی دهه‌های قادر رشدی لاک پشتی در مدرنیته کرده صنعت و تولید و رشد اقتصادی داشتند و بحرانهای بزرگ 1994 و 2001 جزو اعمال فراموش نشدنی آنها در تاریخ جدید ترکیه است، در بهتانند که چرا مردم کوچه و بازار بجای پرداختن به نرخ پیاز اینهمه علاقه‌مند سرنوشت توسعه تکنولوژی نظامی، اوتوموبیل‌سازی، صنایع فضایی و امثالهم هستند. در نتیجه همه موارد حمایت رأی دهندگان از موفقیت‌های ترکیه در عرصه‌های متفاوت، با کینه از سوی طرفداران قلیچداراوغلو مواجه شد.

کشتی جنگی تی‌سی‌جی آنادولو که مدرن‌ترین و بزرگ‌ترین ناو جنگی ترکیه است، کمی پیش از انتخابات به آب انداخته شد و عموم مردم امکان بازدید از آنرا یافتند. رشد صنایع و توسعه تکنولوژی سوپر مدرن نظامی و بنای مستمر زیرساختها برای جبران رخوت دهه‌های قبل همه از نظر رهبران حزب جمهوریخواه خلق دروغی بیش نیستند و درون‌های بایراکتار که از سوی ارتشهای ترکیه، آذربایجان، اوکراین و لهستان استفاده می‌شوند، از سر هم کردن قطعات خریداری شده از پورتال اینترنتی "علی بابا" سر هم شده‌اند!

آیسه نور اصلان مجری کانال تلویزیونی "هالک تی وی" ارگان تبلیغات حزبی حزب جمهوریخواه خلق، نفرت خود از کشتی جنگی نامبرده را با بیان آشکار اینکه در این کشتی با یک حمله هوایی قابل

انهدام است، بیان کرد و طرف صحبت وی در برنامه زنده، چاره تسکین نفرت خود را در سناریوی فرود آمدن دو بمب از بالا بر سر این کشتی جنگی اعلام می‌کند!

با توجه به این حزب جمهوریخواه خلق از سوی شخص مصطفی کمال آتاتورک تأسیس شده و رهبری این حزب طی این صدسال به خوردن نان حاصل اعتبار نام آتاتورک مشغول بوده‌اند، تصور اینکه پیشرفتهای ترکیه در همه عرصه‌ها از نظر آنها بد است، ممکن نیست. تنها توجیه قابل توسل به این انکار و نفرت، این است که رهبران حزب مزبور، حزب متشکل از شهروندان درجه دو را لایق رهبری چنین پروژه‌هایی نمی‌دانند.

برنامه دیدار اکرم ایمام اوغلو برای دیدار از شهر بورسا 24 ژانویه 2023

Duyuruya göre İmamoğlu'nun Bursa programı şöyle:

- 10.00 Umurbey Celal Bayar Anıt Mezarını ziyaret
- 10.30 Gemlik Belediyesi ziyareti
- 11.00 Gemlik Belediyesi Tarım Laboratuvarı Açılışı
- 11.30 Gemlik – Esnaf Ziyareti
- 13.20 Cuma Namazı (Bursa Ulu Cami) **نماز جمعه!**
- 14.00 Bursa Kapalı Çarşı Esnaf ziyareti
- 15.30 Nilüfer Belediyesi ziyareti
- 16.30 Mudanya Belediyesi ziyareti ve Halk Buluşması
- 18.00 Taziye Ziyareti

گرافیک شماره 7

پوپولیسزم ارزان

توسل به ابزار مذهب و ناسیونالیسم و پناهنده ستیزی از اجزاء ثابت دیگر سیاست‌های مخالفان اردوغان در سالهای اخیر بوده است. جالب است که این سیاستها، نتیجه لازم را نداده است و این ناکامی پوپولیسزم در عصر شکوفایی جهانی

این ویروس سیاست را بایستی نشان بلوغ جامعه ترکیه دانست. پوپولیسزم بصورت "خرید رأی" با وعده انتخاباتی غیرقابل تحقق در ترکیه ریشه‌دار است. سلیمان دمیرل در انتخابات عمومی سال 1991 وعده وعده‌ها را داده بود: "هر کس هرچه می‌دهد، من 5 برابر آنرا می‌دهم!"

در انتخابات اخیر در مناطق زلزله زده، مردم علیرغم وعده اعطای مسکن‌های مجانی، به قلیچداراوغلو و حزب او رأی ندادند. وعده افزایش بی سابقه حقوق مأموران دولتی به بالای 21 هزار لیر (!) هم برای برنده شدن قلیچداراوغلو در انتخابات کافی نبود. تظاهر به دینداری هم برای این حزب رأی نیاورد. اکرم امام اوغلو شهردار استانبول بزرگ به تلاوت سوره یاسن از قرآن پرداخت و حضور در نماز جمعه را در برنامه بازدید خود از شهر بورسا جای داد و تبلیغ کرد. (گرافیک شماره 7) آنچه خطرناک بود و با توجه به همه فشارهای اقتصادی، تورم و بیکاری امکان موفقیت داشت، پناهنده ستیزی بود. این پوپولیسیم پناهنده ستیز حزب خود بنام "ظفر" و رهبر آن اومیت اوژداغ را هم دارد. این جریان در نوع خود جدید است. چون دیگرستیزی در خاورمیانه بر خلاف اروپا می‌تواند متوجه اقلیتهای اتمیکی داخل کشور باشد اما بطور سنتی، پناهندگانی که بعنوان نیروی کار ارزان توسط کارفرمایان استعمار می‌شوند، آماج این دیگر ستیزی نیستند. هم اومیت اوژداغ و هم حزب جمهوریخواه خلق و بقیه مخالفین اردوغان سعی در سوار شدن بر موج مخالفت با مهاجرین داشتند. بخشی از این کارزار شامل وحشت افکنی و تحریک جامعه از طریق نشر آمار کذب بود. اومیت اوژداغ از رقم "13 میلیون" و قلیچدار اوغلو به فراخور حال از ارقام بزرگتری برای این مقصود استفاده می‌کردند. درست مثل احزاب و دستجات پناهنده ستیز اروپایی، انتشار اخبار بزهکاری پناهندگان در ترکیه نیز در جریان است. سلیمان سویلو وزیر کشور سابق در پاسخ به این تبلیغات بود که در هفتم ماه ژوئیه 2019 اعلام کرد که میزان بزهکاری در میان پناهندگان سوری نصف این میزان نسبت شهروندان این کشور است. تاکنون جعلی بودن موارد متعددی از اخبار و ویدئوهای بظاهر نشان دهنده هجوم تعداد زیادی از شهروندان افغانستان به مرزهای ترکیه از سوی سایتهای کنترل فکت انجام شده است.

در شبکه‌های اجتماعی، کلیپ‌های زیادی، با کنایه از تازه‌مسلمان شدن تعداد زیادی از سیاستمداران اوپوزیسیون منتشر شدند و استنباط عموم این بود که کسی بخاطر قرائت قرآن از سوی اکرم ایمام اوغلو یا انتشار خبر حج رفتن کمال قلیچداراوغلو(!؟) به حزب متبوع آنان رأی نخواهد داد و همنشینان یاران سابق اردوغان با اوپوزیسیون، موجب جلب آرای محافظه‌کاران نخواهد شد.

نوع دیگری از توهین به اکثریت

یکی از محورهای ثابت مواجهه اقلیت صاحب امتیاز سنتی ترکیه و اکثریت محروم، به رسمیت نشناختن فاعلیت این اکثریت است. این قشر پرمدعا به رهبری حزب جمهوریخواه خلق و کمال قلیچداراوغلو، هنوز بعد از 29 سال شکست پی در پی و بدون انقطاع از اردوغان و طرفدارانش، یکبار هم که شده به شکست خودشان اعتراف نکرده‌اند. همیشه پیروزی اردوغان و حزب عدالت و توسعه را معلول تقلب، دزدی آرا، جهالت رأی دهندگان، حمایت غرب (در گذشته) و روسیه (امروز) از آنان، غیرقانونی و غیرمشروع اعلام کرده‌اند. توهین‌های شدید به شخص اردوغان، تبریک نگفتن پیروزی‌های وی، دروغ اعلام کردن همه موفقیت‌های حزب عدالت و توسعه، نشر وقیحانه اکاذیب و دروغ‌های شاخدار در مورد اردوغان و دیگر رهبران حزب عدالت و توسعه جملی تکه‌های پازلی هستند که در مجموع منظره ناخوشایند به رسمیت نشناختن اکثریت جامعه و اراده سیاسی آنها طی 29 سال اخیر را تشکیل می‌دهند.

سکولاریسم و لائیسته

سیاست حجاب در ترکیه ربطی به سکولاریسم و لائیسته نداشته است. تعریف صاحبان امتیاز از این مسئله تنها یک ابزار برای دور نگذاشتن اکثریت جامعه از قدرت سیاسی و رفاه بوده است. شاهد ساده این مدعا نگاه به تعریف نامبرده است. طبق این تعریف، داشتن داوطلبانه روسری در دانشگاه‌ها، پارلمان و مراکز دولتی، مغایر با ماهیت سکولاریسم و لائیسته است! با این تعریف هیچ کشور اتحادیه اروپا و بقیه دموکراسی‌های دنیا سکولار نیستند! در فیلم شماره 9 <https://youtu.be/JG8HQHbYRh0> سلیمان دمیرل به روشنی این ادعا را دارد و دارندگان حجاب را به عربستان حواله می‌دهد. حداقل امروز همه می‌دانند که ترکیه با آزادی حجاب خانمها در دانشگاه‌ها و پارلمان، نه تبدیل به ایران شده و نه تبدیل به عربستان سعودی. جالب است که این ادعای دروغ طبقه حاکم در دهه 1980 و 1990 از متولیان این نگاه معیوب به آزادی فردی و سکولاریسم و ترکیب این دو، بعداً به اشتباهات خود اعتراف نکردند. از جمله در گزارش مهم سفارشی از سوی حزب جمهوریخواه خلق از پروفیسور مئحمت بئکاراوغلو می‌خوانیم که باید به این خطاها و جفاهای گذشته اعتراف کرد. اما شیوه مدافعان تر معیوب سکولاریسم از نوع آنچه در فیلم مورد اشاره از زبان سلیمان دمیرل می‌شنویم، انکار واقعیت است. واقعیتی که در کلیپهای ویدئویی رنگ پریده از دهه 1980 و 1990 موجود است و از سوی فعالین سوسیال مدیای حزب عدالت و توسعه هرگز موقعیت "موضوع روز" بودن را از دست نمی‌دهد. ویدئوهای بیشماری از مخالفت رهبران امروزی و دیروی حزب جمهوریخواه با ورود دختران محجبه به دانشگاه همراه ویدئوهای مربوط به انکار امروزی آنها در قالب کلیپ‌های واحد، در سوسیال مدیا فک و فراوان است.

رابطه با ترور، HDP، PKK و PYD

برخی‌ها، ابهام در مواضع حزب جمهوریخواه نسبت به ترور، HDP، PKK و PYD را عامل باخت کمال قلیچداراوغلو نامیدند. کمال قلیچداراوغلو در طی این انتخابات از نام بردن پ ک ک بعنوان سازمان تروریستی خودداری کرد. او استدلال می‌کرد که در سایت وزارتخانه‌های امنیتی و نظامی، اسامی گروه‌های تروریستی یک به یک ردیف نشده است و او هم نمی‌خواهد گروه خاصی را به نام ببرد و این کار را حتی تبلیغ آن گروه تروریستی می‌داند. این کار می‌تواند از مقامات سوئیس یا لوکزامبورگ پذیرفته شود اما اگر کاندیدای مقام ریاست جمهوری در ایالات متحده آمریکا از نام بردن مشخص داعش یا القاعده بعنوان تروریست علیرغم اصرار خبرنگاران خودداری کند، دچار عاقبت قلیچداراوغلو خواهد شد یعنی باخت انتخابات. بخصوص روشن بود که این تقیه وی، بخاطر نیاز به آرای حزب دمکراتیک خلقها یا همان HDP است.

گرافیک شماره 9

HDP ETKİN OLDUĞU İLLER	2018 CHP'İN ALDIĞI OY	2023 KILIÇDAROĞLU ALDIĞI OY
ARDAHAN	%25.94	%56.15
AĞRI	%2.76	%65.80
İĞDIR	%2.59	%62.49
VAN	%2.48	%62.26
MUŞ	%2.31	%58.88
HAKKARİ	%3.49	%72.32
BİTLİS	%2.58	%50.91
SİİRT	%2.39	%56.26
ŞIRNAK	%2.55	%75.85
MARDİN	%3.16	%66.11
BATMAN	%1.71	%67.56
DIYARBAKIR	%2.34	%71.95
TUNCELİ	%26.39	%80.26

طی انتخابات کلیبی مونتاژ شده از سخنان قلیچداراوغلو، رهبران HDP و رهبران PKK از سوی جبهه اردوغان منتشر شد. مونتاژ بودن این فیلم روشن بود و اردوغان هم با صراحت مونتاژ بودن آنرا اذعان کرد. "مونتاژ" چیزی جز کنار هم نهادن سخنان افراد برشمرده نبود. آنچه اصیل بود و جبهه قلیچداراوغلو سعی در انکار آن نکرد، اصالت "عناصر فیلم" بود. انرژی بی‌پایانی از سوی کمپ قلیچداراوغلو بر علیه این "مونتاژ" بکار رفت. اما بجز جونیت اؤزدمیر آنها تنها یک بار از دهها مورد طرح مسئله، به این سوال جواب داده نشد که اگر مونتاژ یعنی کنار هم نهادن کلیپهای متفاوت از افراد متفاوت مسلم و مشهود و نادرست است آیا اصل این حرفها از سوی افراد مزبور بر زبان آمده‌اند یا نه؟ علت عدم طرح این سوال هراس از جواب سوال بود که مثبت است. یعنی هم دفاع رهبران HDP از پ ک ک واقعی است و بارها اتفاق افتاده است و هم دعوت رهبران پ ک ک برای سرنگونی اردوغان واقعی بود. در کشوری که زخم چهل هزار قربانی ترور پ ک ک را برتن دارد، دعوت رهبران این جریان که نام تک تک آنها در صدر لیست تروریست‌ها در ترکیه و بقیه دنیا ثبت شده است، نمی‌توانست بی‌تأثیر باشد اما مسلماً این تأثیر در جهت موافق میل کمال قلیچداراوغلو نبود. قلیچداراوغلو یکبار هم خطاب به این پیام‌آورگان مرگ و تشنگان خون، نگفت که من به حمایت شما نیازی ندارم. برای دیدن ویدئوهای حمایت رهبران پ ک ک از کمال قلیچداراوغلو می‌توانید در یوتیوب با عبارت PKK'dan Kılıçdaroğlu'na destek سرچ کنید. مضمون توافقات پشت پرده کمال قلیچداراوغلو با HDP هرگز افشا نشد اما یکی از رهبران این حزب بنام "سری ثریا اؤندر" Sırrı Süreyya Önder در فیلم شماره 3 (<https://youtube.com/shorts/FB0sV87JcV8>) می‌گوید که بدنه حزب جمهوریخواه خلق باید از مضمون این توافقات مطلع بشود. کمال قلیچداراوغلو هرگز بخود زحمت نداد که وجود توافقات مخفی را منکر شود و از این طریق به شائبه وجود چنین توافقاتی دامن زد. در ویدئوی 12 دیده می‌شود که یکی از عوامل حزب جمهوریخواه خلق آشکارا می‌گوید که خواهان آرای طرفداران پ ک ک هم هست. در ویدئوی شماره 13 "فیلیز کوچعلی" از HDP به صراحت از اهمیت حمایت پ ک ک از HDP و حزب جمهوریخواه خلق صحبت می‌کند. در ویدئوی شماره 14 صلاح الدین دمیرتاش صراحت می‌دهد که رأی به BDP (حزب قبلی تحت رهبری وی) در اصل حمایت از اوجالان است.

آنچه کمال قلیچداراوغلو حاضر به بیان آن نشد یعنی جنس و میزان همکاری با HDP در جدول شماره؟؟ قابل ملاحظه است. در این جدول میزان آرای حزب جمهوریخواه خلق در انتخابات پارلمانی و میزان آرای کمال قلیچداراوغلو در انتخابات ریاست جمهوری در مناطق کردنشین دیده می‌شود. مثلاً در مورد دیاربکر می‌بینیم که از 80 درصد آرای قلیچداراوغلو تنها کمتر از دو نیم درصد آن از سوی طرفداران حزب وی داده شده است و بقیه آرای وی، از طریق ائتلاف با HDP تأمین شده است. مسلماً معامله این همه رأی با HDP یکطرفه و بدون وعده متقابل از سوی حزب جمهوریخواه خلق نبود. ایراد کار اولاً در مخفی ماندن ماهیت بده بستان بود. ایراد دوم در این محاسبه نادرست بود که کسب همزمان آرای یک جریان ناسیونالیست کردی و دو جریان ناسیونالیست ترکی، نمی‌توانست به معنی جلب همه آرای دوطرف ناسیونالیست باشد.

از عوامفریبی و دیگر فریبی تا خود فریبی

ادعاهای نصر من الله و فتح القریب از سوی اوپوزیسیون منطقی است. کسی که در انتخابات شرکت می‌کند، یعنی هم مدعی پیروزی است و هم به این پیروزی اعتقاد دارد. اما 21 شرکت نظرسنجی از میان 25 شرکت موجود، پیش بینی نادرست به نفع اوپوزیسیون داشتند. خیل ژورنالیستها هم با اطمینان از پیروزی کمال قلیچداراوغلو سخن می‌گفتند. مثل همه 21 سال گذشته بندرت کسی از بین این بیشمار پیش بینی کنندگان شکست حزب عدالت و توسعه، معذرت خواهی به کنار، حتی توضیح دادند. کسی مثل "محممت بیلماز" استثنایی بر این قاعده کلی بود. او روز 15 ماه مه طی مقاله‌ای اعتراف کرد که نتوانسته است خوانش درستی از جامعه خودش داشته باشد. در کنار وی هزاران ژورنالیست و سیاستمدار در داخل و خارج از ترکیه وارد میدان پیشگویی و تجزیه و تحلیل شدند و وقتی که معلوم شد آرزوهای خود را بجای تحلیل واقعیت عینی به خورد مخاطبان خود داده‌اند، به روی مبارک نیاوردند. انگار نه انگار. مسلماً، این بزرگواران بزودی با افتادن آب انتخابات ماه مه 2023 از آسیابها، دوباره وارد میدان خواهند شد تا رضایت خاطر مخاطبان خود را از طریق خوف‌فریبی و دیگر فریبی به انجام به رسانند. تاوقتی که تولید کنندگان و مصرف کنندگان این تحلیل‌ها بر سر سازش ناپذیری با واقعیت با همدیگر توافق دارند، کسی از بیرون نمی‌تواند در این رابطه برد - برد مداخله کند.

نخوت رهبران حزب جمهوریخواه خلق

طی این مقاله تأکید زیادی بر عامل تکبر از سوی اقشار صاحب امتیاز ترکیه و رهبری حزب جمهوریخواه خلق شده است. این نخوت تنها متوجه اکثریت رأی دهنده به اردوغان نیست. بدنه حزب جمهوریخواه خلق و رأی دهندگان این حزب نیز از این نگاه از بالا به پایین در امان نیستند. همین امروز ده روز بعد از پایان دومین دور انتخابات ریاست جمهوری و مسجل شدن شکست، هنوز رهبران حزب یک توضیح ساده در مورد علل شکست به اعضای خود نداده‌اند. جوننیت اوزدمیر از جبهه طرفداران حزب جمهوریخواه خلق با برنامه یوتیوبی دارای 6 میلیون مخاطب طی انتخابات و پیش از معرفی کاندیدای بلوک ملت به رهبری حزب جمهوریخواه خلق، این مسئله را با کلمات زیر بیان کرده است:

"ما رهبران حزب جمهوریخواه خلق] از میان خودمان یکی را انتخاب خواهیم کرد و شما هم مثل خر تشریف برده و به او رأی خواهید داد. اوضاع امروز اینطوری است. هر که را که ما اراده کردیم به او رأی خواهید داد. اگر خواهان خلاصی از اردوغان هستید، محکوم هستید که به ما بچسبید. [اگر بگوییم] لطف کرده از ما [رأی دهندگان] هم بپرسید که چه کسی باید رئیس [جمهور] شود [بما خواهند گفت] این بشما مربوط نیست. اگر کتمان را در آورده و جایی آویزان کنیم باید بدان رأی بدهید. باید چهار دست و پا بروید و رأی بدهید!... چنین کار مزخرفی مگر ممکن است؟ آیا شما به همچو چیزی رأی می‌دهید؟ مگر مغز خر خورده‌اید؟ (لینک کلیپ ویدئو و متن پیاده شده سخنان جوننیت اوزدمیر <https://www.yeniakit.com.tr/haber/cuneyt-ozdemir-in-sozleri-yeniden-gundemde-esek-gibi-qelip-bize-oy-vereceksiniz-1742680.html>)"

این سخنان قبل از انتخاب کمال قلیچدار اوغلو بعنوان کاندیدای ائتلاف ضد اردوغان بود. بعد از برنامه جوننیت اوزدمیر با حرارت و قدرت تأثیرگذاری بالایی که وجه مشخصه کارهای اوست، به حمایت از قلیچداراوغلو پرداخت اما بعد از دور دوم انتخابات اعلام کرد دیگر این چنین رأی نخواهد داد.

محرم اینچه

محرم اینچه از ایالت "یالووا"ی در شمال غرب ترکیه و 59 ساله، برای شناخت حزب جمهوریخواه خلق و حتی آشنایی با نادیدنی‌های سیاست و انتخابات در ترکیه پدیده مهمی است. او در سال 2018 از سوی حزب جمهوریخواه خلق و کمال قلیچداراوغلو کاندیدای پست ریاست جمهوری شد و موفق به کسب 38 درصد از کل آرا شد. وی بعداً مدعی رهبری پست دبیرکلی حزب شد و در ادامه اصرار خود برای کسب این مقام از حزب کناره‌گیری کرد و حزب "مملکت" را تأسیس کرد و در انتخابات ریاست جمهوری ماه مه امسال نیز بعنوان کاندیدای این حزب شرکت کرده بود. داستان‌هایی که از دوره رقابت انتخاباتی در سال 2018 نقل شده‌اند گاه غیرقابل باور هستند. از جمله عدم همکاری مقامات حزبی و شهرداری‌های تحت کنترل حزب جمهوریخواه با کمپین انتخاباتی وی و انتقاد رهبری حزب از مسئول کانال تلویزیونی حزب بخاطر بولد کردن محرم اینچه!

برخی از اصول سیاست و شکل دهی افکار عمومی در درسنامه‌های ابتدایی مختلف از جمله رتوریک تکرار می‌شوند. این اصول گاه چنان روشن و جا افتاده هستند که در میدان عمل بلافاصله میتوان تشخیص داد که مثلاً یک مبلغ یا رهبر حزبی این دروس ابتدایی را خوانده است یا نه. در تعقیب نحوه پیش‌برد کارزار انتخاباتی محرم اینچه در سال 2018 و امسال، روشن بود که دروس ابتدایی مورد اشاره را خوب خوانده است. از جمله پیش‌برد کمپین مثبت بجای کمپین نفرت از اردوغان و حزبش. نکته جالب دیگر از کمپین محرم اینچه، مخالفت نکردن با همه و همه چیز مربوط به 21 سال اخیر بود. دوری از سیاست بدون بازده امید همزمان به آرای احتمالی از سوی ناسیونالیسم کردی در جنوب شرق، محافظه‌کاری در آناتولی مرکزی و سواحل دریای سیاه و آناتورکیسم در غرب و شهرهای ساحلی. آنچه در کمپین وی ناکافی بود، نداشتن تیم بود که نه تیم حزبی داشت و نه تیمی برای اداره امور

مملکت. در مقایسه باید گفت که حزب جمهوریخواه خلق تیم حزبی، تیم رهبری کارزار انتخاباتی و تیم رسانه‌ای داشت اما نه تیمی برای اداره مملکت داشت و نه پروژه‌ای.

رفتار حزب جمهوریخواه با محرم اینچه تنها با کلمه "لینچ" قابل توصیف بود. نظر استراتژهای حزب جمهوریخواه بر این بود که پیروزی حتمی است و نام تنها مزاحم احتمالی محرم اینچه است. از اینرو احساس می‌شد که فشار کمپین منفی قلیچداراوغلو بیشتر متوجه محرم اینچه است. برخی از نظرسنجی‌ها میزان آرای محرم اینچه تا 9 درصد هم پیش بینی می‌کردند. استدلال حزب جمهوریخواه خلق این بود که اگر ما باختیم، خون آن بر گردن تو خواهد بود و تو برای همیشه از سیاست ترکیه حذف خواهی شد. محرم اینچه هم که دستی بزن در رتوریک دارد با کنایه گفت: برای پیروزی کمال قلیچداراوغلو پیشنهاد می‌کنم که اردوغان هم از رقابت کنار برود!

محرم اینچه بالاخره تاب مقاومت در برابر کارزار لینچ حزب سابق خودش را از دست داد و قبل از دور اول انتخابات از رقابت کنار رفت. آنچه این ماجرا را از نظر مضمون این مقاله جالب می‌کند، موضع‌گیری وی در دور دوم انتخابات است. او که بقول خودش از نوجوانی زندگی خود را وقف حزب جمهوریخواه خلق کرده است، بعد از کناره‌گیری در دور اول، در دور دوم انتخابات تصمیم به بیطرفی گرفت. از آنجا که در مخالفت وی با حزب عدالت و توسعه و شخص اردوغان، کسی تردیدی ندارد، این موضع‌گیری وی با توجه به اطلاعات وی از درون حزب جمهوریخواه خلق، برای فهم ماهیت کمال قلیچداراوغلو و ساختار فعلی حزب نامبرده، حائز اهمیت است.

پایان سخن

عبارت "اینهمه نزدیک و اینهمه دور" در مورد جمهوری ترکیه، به شباهت‌ها و در عین حال تفاوت‌های میان ایران و این همسایه غربی اشاره دارد. نقش اسلام سیاسی و حجاب هم حاوی جنبه‌های مشابه و متفاوت کارکرد این دو عامل در دو جامعه همسایه است. در کنار نزدیکی‌های غیرقابل انکار، سیر متفاوت اسلام سیاسی و نحوه تنظیم مناسبات با غرب و امر تجدد در این دو کشور حیرت‌انگیز است. حتی ناکامی‌های ترکیه برای ایرانیان آموزنده است. نقش پوپولیسم راست و چپ و رفتار رأی‌دهندگان در یک جامعه قطب بندی شده میان بلوکهای سیاسی در ترکیه بسیار بیشتر از مکانیسم دموکراسی و انتخابات آزاد در دانمارک یا ژاپن آموزنده است. تلاش موفق ترکیه برای خروج از جرگه کشورهای فقیر و ورود به باشگاه کشورهای دارای درآمد میانی بدون اتکا به ثروتهای زیرزمینی، منشاء امید زیادی برای ایران آینده است. دادن میدان عمل به زبان کردی و ورود یک حزب دارای حمایت در مناطق کردنشین به بازیهای سیاسی در مرکز و تلاش برای برقراری عدالت میان گروه‌های اتنیکی موجود در هر دو جنبه موفق و ناکام این تلاشها، میتواند مورد مطالعه و درس آموزی نیروهای سیاسی ایرانی باشد.

هیجانات انتخابات این احساس را در بیننده القا می‌کند که این جامعه بجای چشم دوختن به آسمان یا نیروهای خارجی به این نتیجه رسیده‌اند که چاره عقب ماندگی در علم، صنعت، اقتصاد و دموکراسی و حقوق بشر در دستان خود آنان است و آنها برای حل این معضلات حداقل در قبال نسل آینده کشور خودشان مسئولیت دارند.

بنظر من شکست ناپذیری بلوک قدرت اردوغان محصول ندانم‌کاری اوپوزیسیون و استفاده هنرمندانه اردوغان از روایت محرومیت اکثریت و تحقیر این محرومان از سوی صاحبان قدرت و امتیاز در گذشته است. امروز علیرغم انتقال بخش قبل توجهی از محرومان دیروز به میان طبقه متوسط شهری و علیرغم تصرف قلعه قدرت طی دو دهه از سوی حزب عدالت و توسعه، هنوز هم روایت تبعیض و نادیده گرفته شدن در گذشته، به استحکام بلوک اردوغانی کمک می‌کند. علت این استمرار در یک سو، ادامه تحقیر اکثریت رأی‌دهنده به اردوغان از سوی مشتی از خود راضی ساکن شهرهای ساحلی است و در سوی دیگر استفاده هنرمندانه حزب عدالت و توسعه از استمرار این اهانت‌های نژادپرستانه و تکرار روایت مظلومیت. از سویی دیگر حزب جمهوریخواه بجای یک پروژه اجرای و یک تیم از مدیران دارای تجربه آماده اجرای پروژه، وارد حساب‌های نادرست تاکتیکی و تأسیس یک کارتل صرفا حول ماده واحده نفرت از اردوغان شد. نتیجه این کوتاه بینی، تکرار رأی 48 درصدی مجموع آرای مخالفان برای بار پنجم و شکستی دیگر برای شخص کمال قلیچداراوغلو شد و احتمال می‌رود که شکست فعلی، آخرین

شکست وی و آخرین شرکت وی در انتخابات باشد. اگر او و پولیت بورو هاله زده بر اطراف وی بر ادامه این راه اصرار کنند، جز شکستی بزرگتر و از دست دادن رهبری شهرهای بزرگ در انتخابات محلی پیش رو، نتیجه‌ای نخواهند گرفت.

استکھلم
12 روئن 2023

علی رضا اردبیلی
alirza.q@gmail.com

منبع. سایت ایران امروز